

Analysis of the Substantive Factors in Strategic Knowledge Management within the Domain of Higher Education Development

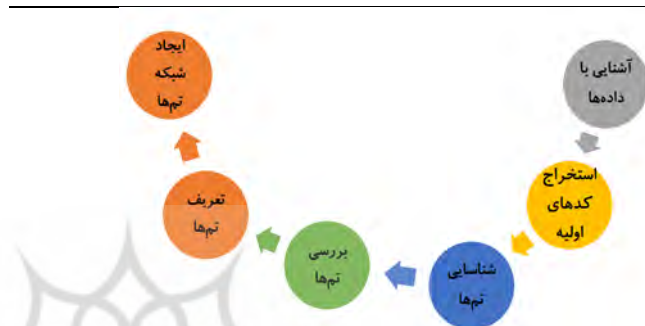
Ahmadreza Hejazi 

Ph.D., Higher Education Development Office, Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran

HIGHLIGHTS

- The primary aim of this research is to examine the substantive factors underlying the knowledge strategic management model within the domain of higher education expansion.
- MAXQDA software has been utilized for data analysis.

GRAPHICAL ABSTRACT



ARTICLE INFO

Article history:

Article Type: Research paper

Received: 1 January 2025

Received in revised form: 3 February 2025

Accepted: 1 March 2025

Available online: 1 March 2025

*Correspondence: a_hejazi@msrt.ir

How to cite this article:

Hejazi, A. (2025). Analysis of the substantive factors in strategic knowledge management within the domain of higher education development. *System Engineering and Productivity*, 5(1), 127-148.

Keywords:

Model

Strategic Knowledge Management

Domain of Higher Education Development

Purposeful Development

ABSTRACT

According to higher-level legislative documents, the responsibility for enhancing the levels of knowledge, skills, development, and the promotion of a scientific thinking culture within society lies with the Ministry of Science, Research, and Technology. Accordingly, the Ministry of Science, Research, and Technology has delegated all educational duties to the Council for the Expansion of Higher Education. Although this council has undertaken initiatives aimed at purposefully developing higher education, the absence of a coordinated and logical model for activity implementation remains a critical gap, representing the core issue of this research. Thus, the primary objective of this study is to examine the substantive factors underpinning the strategic management model of knowledge within the domain of higher education expansion under the auspices of the Ministry. The research adopts a developmental-application-oriented approach and employs a multi-level mixed strategy. The statistical population comprises experts and scholars in higher education who, through purposive non-random sampling, possess practical experience in decision-making positions related to higher education dissemination. The data collection method involves a documentary approach, utilizing note-taking from specialized texts and credible official documents of the Ministry of Science, Research, and Technology. Additionally, in the field, in-depth interviews with higher education elites were conducted. For qualitative data analysis, the thematic content analysis method was employed using MAXQDA software. To analyze and interpret the policy documents and interview transcripts, from a total of 782 items, 115 categories were extracted and interconnected via relevant keywords, resulting in 17 themes. Based on these definitions, six themes were identified as the substantive factors underpinning the knowledge strategic management model in the domain of higher education development.

بررسی عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی

احمد رضا حجازی ^{ID}

دکتری، دفتر گسترش آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران

برجسته‌ها

- هدف این پژوهش، بررسی عوامل محتوایی الگوی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش است.
- برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) استفاده شده است.

چکیده گرافیکی



مشخصات مقاله

تاریخچه مقاله:

نوع مقاله: علمی پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

ارائه برخط: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

*نویسنده مسئول:

a_hejazi@msrt.ir

کلیدواژه‌ها:

الگو

مدیریت راهبردی دانش

حوزه گسترش آموزش عالی

توسعه هدفمند

چکیده

مطابق اسناد بالادستی، ارتقای سطح دانش، مهارت، توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی جامعه بر عهده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. بر همین اساس وزارت عتف کلیه وظایف آموزشی را به شورای گسترش آموزش عالی محول نموده است. هرچند این شورا اقداماتی در راستای توسعه هدفمند آموزش عالی به عمل آورده اما الگوی هماهنگ و منطقی انجام فعالیت‌ها، حلقه مفقوده و مسئله این پژوهش است. بنابراین هدف این پژوهش، بررسی عوامل محتوایی الگوی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی در وزارت عتف بوده و هدف این تحقیق، توسعه‌ای-کاربردی است و از استراتژی آمیخته چند سطحی بهره می‌برد. جامعه آماری شامل خبرگان و صاحب‌نظران آموزش عالی که در پست‌های تصمیم‌گیرنده در حوزه گسترش آموزش عالی تجربیاتی کسب کرده‌اند به صورت غیر تصادفی و هدفمند تعیین گردید. ابزار جمع‌آوری روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری از کتاب‌های تخصصی و اسناد و مدارک معتبر وزارت عتف استخراج گردید و در روش میدانی مصاحبه عمیق با نخبگان آموزش عالی انجام شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی مصاحبه از روش تحلیل مضمون با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) استفاده شده است. برای تحلیل و تفسیر کیفی اسناد بالادستی و مصاحبه‌های انجام‌شده از بین ۷۸۲ گویه، ۱۱۵ مقوله استخراج و با کلیدواژه‌هایی به یکدیگر مرتبط شده و ۱۷ مضمون به دست آمد. با توجه به تعاریف ارائه شده ۶ مضمون به عنوان عوامل محتوایی الگوی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش معرفی گردید.

۱- مقدمه

در گذشته سازمان‌های کوچک که در محیط باثباتی فعالیت می‌نمودند عمدتاً از طریق بودجه‌بندی توسط خود مدیر اداره می‌شدند بعدها سازمان‌ها برای به دست آوردن و حفظ سهم بازار به برنامه‌ریزی بلندمدت روی آوردند و در دوره‌های بعد به علت جدی شدن صحنه رقابت و افزایش پویایی محیطی، برنامه‌ریزی راهبردی و پس‌از آن، مدیریت راهبردی مورد توجه مدیران سازمان‌ها قرار گرفت. اما این سیر تطور به این مرحله ختم نشد و پویایی و پیچیدگی محیط و همچنین سازمان‌ها به گونه‌ای شده است که لزوم تفکر راهبردی را مبرهن ساخته و دیگر وجود شخص مدیر به‌تنهایی، موفقیت سازمان را تضمین نمی‌کند بلکه لازم است که هر عضو سازمان بتواند بر موقعیت لحظه‌ای مربوط به خود مدیریت نماید و چنین تفکر راهبردی می‌تواند مبنایی برای صحت و کفایت اقدامات سازمان را فراهم آورد. دستیابی حداکثری به منافع حاصل از طراحی و پیاده‌سازی مدیریت دانش سازمان، بدون طراحی راهبرد مشخص مدیریت دانش امکان‌پذیر نیست. بر مبنای این راهبرد است که خلق، بقاء، انتقال و بهره‌گیری از دانش در سازمان به‌طور مشخص تعریف و روابط حوزه‌های عملکردی هریک نیز تعیین می‌شود. امروزه دانش، اهمیت فراوانی در اشتغال‌زایی، ایجاد ارزش‌افزوده و... دارد. دانش در عصر اطلاعاتی از مهم‌ترین مواد برای سرآغاز همه امور فردی و اجتماعی است. مراکز پژوهشی دانشگاهی ایران در سال‌های اخیر با آگاهی از اهمیت و سود حاصل از مدیریت دانش کوشیده‌اند تا به‌طور گسترده برای اجرای مدیریت دانش در دانشگاه‌های خود سرمایه‌گذاری کرده و آن را ترقی دهند (Akhavan et al., 2009). شناسایی دانش لازم جهت مدیریت فرایند تحقیق و توسعه دانشگاه، مستلزم پیوند خوردن اهداف راهبردی دانشگاه با فرآیندهای مذکور است. بدون در نظر گرفتن اهداف راهبردی دانشگاه، نمی‌توان دانش لازم را شناسایی کرد. از این رو دانشگاه‌ها می‌بایست دارایی‌های خود را با پرداختن به کارهای خلاقانه به‌منظور به حداکثر رساندن توانمندسازها و به حداقل رساندن موانع مرتبط با فرایندهای مدیریت دانش، مدیریت درواقع مؤسسات (Ramjeawon & Rowley, 2009).

آموزش عالی به دلیل نقش اساسی که در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی یک کشور دارند، در هر جامعه‌ای از اهمیت بالایی برخوردارند. دانشگاهیان مولد دانشی هستند که مسئولیت اصلی آن‌ها در شکل‌گیری و توسعه سرمایه انسانی مورد نیاز یک کشور است. با توجه به مسئولیت بزرگی که به دانشگاهیان داده می‌شود، لازم است که آن‌ها به‌اندازه کافی شایسته باشند. (Shina, 2020).

با توجه به بند "ه" قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های فنی و توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی در جامعه" بر عهده وزارت علوم تحقیقات و فناوری است. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز در راستای اجرای وظایف محوله کلیه وظایف آموزشی که در راستای ارتقای سطح دانش و مهارت و توسعه آموزش عالی است را به شورای گسترش آموزش عالی محول نمود. شورای گسترش آموزش عالی یکی از شوراهای تصمیم‌گیرنده در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است این شورا مرجع تصمیم‌گیری درباره خطوط اصلی سیاست‌های توسعه و گسترش آموزش عالی در سطح کشور محسوب می‌شود. شورای یادشده با در نظر گرفتن هیئت‌علمی، امکانات آموزشی و آزمایشگاهی، فضای آموزشی و امکانات مالی دانشگاه یا مؤسسه متقاضی، نسبت به تصویب رشته‌ها، گروه‌های آموزشی و دانشکده‌ها اقدام نموده است. اقدامات و فعالیت‌های مختلفی در راستای توسعه هدفمند آموزش عالی توسط شورای گسترش آموزش عالی انجام گرفته است و یا در حال انجام است. لکن مجموعه منسجم، هماهنگ و منطقی از کارکردها، فعالیت‌ها و اقداماتی که در قالب یک الگو توالی و ارتباط اقدامات مختلف را تبیین نموده و نقش قسمت‌ها و افراد گوناگون را متین نماید به‌عنوان حلقه مفقوده و نیاز شورای گسترش آموزش عالی و مسئله این پژوهش مطرح است. ایجاد درک مفهوم مشترک به اهمیت داشتن الگو، شناسایی عوامل، عناصر و دستاوردها، اولویت‌بندی عناصر و بررسی رابطه بین عناصر الگو، مدیریت اساسی و کلان جریان دانشی یا به عبارتی به‌کارگیری مدیریت دانش از جمله مواردی است که در الگوی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی، تبیین و مدیران و مجریان را در هدایت و راهبری این مهم کمک می‌نماید؛ بنابراین مسئله پژوهش نبود «الگوی مدون برای مدیریت راهبردی دانش در حوزه

- ادامه روند توسعه غیر هدفمند نظام آموزش عالی،
 - آسیب دیدن مدیریت جریان دانش در شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،
 - کاهش سرعت تولید دانش در شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،
 - کندشدن روند مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش و کاهش عدالت آموزشی و ادامه روند افزایش فارغ‌التحصیلان بیکار، خواهد شد.
- سؤال‌های اصلی به صورت زیر است:

- عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کدام‌اند؟
 - موانع، مشکلات و چالش‌های عمده عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کدام‌اند؟
 - ارتباط هریک از عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چگونه است؟
- تحقیق حاضر از لحاظ هدف توسعه‌ای و کاربردی بوده و در نظر دارد با استناد به اهداف بالادستی عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش در شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که تاکنون وجود نداشته را تدوین و موجب توسعه دانش موجود در این حوزه گردد. این تحقیق کیفی بوده و از راهبرد تحلیل مضمون استفاده شده است. به‌منظور کشف ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی تا مرحله رسیدن به اشباع نظری مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته انجام و از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند (تکنیک گلوله‌برفی) برای انتخاب افراد استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل کتاب‌های تخصصی، اسناد و مدارک، مقاله‌های علمی و پژوهشی، وبگاه‌های منتشره معتبر و اسناد معتبر در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مدیران و افراد خبره جامعه نمونه بوده‌اند. ابعاد و شاخص‌های الگوی نهایی با استفاده از نرم‌افزار (MAXQDA) استخراج شده است. برای

گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» و همچنین مشخص نبودن عوامل، موانع، چالش‌ها و چگونگی رابطه بین آن‌ها که بتواند تحقق اسناد بالادستی را در یک فرایند مستمر هدایت، راهبری و تسهیل نماید، است. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با درک و تحلیل شرایط محیطی و فهم مناسب و به‌موقع منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با رویکردی آینده‌پژوهانه بر اساس اسناد بالادستی اقدام خواهد نمود. فلذا دستیابی به اهداف موردنظر ایجاد قابلیت‌ها و توانمندی‌ها محوری در بستر اقدامات و فعالیت‌های نظام‌مند و منطقی توسط مدیران مختلف نظام آموزش عالی از اهمیت بالایی برخوردار است. انجام این پژوهش موارد زیر را تسهیل خواهد نمود:

- انجام اقدامات مؤثر در راستای اجرایی شدن بیانات مقام معظم رهبری به‌منظور توسعه هدفمند نظام آموزش عالی در جهت رفع نیازهای اصلی کشور.
- تعیین عوامل محتوایی تأثیرگذار در مدیریت راهبردی دانش شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- احصاء موانع و مشکلات مدیریت راهبردی دانش در شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- تقویت مبانی نظری و ایجاد بستر مناسب تصمیم‌گیری برای مدیران سطوح راهبردی در خصوص مدیریت راهبردی دانش
- توسعه دانش در حوزه مبانی نظری مدیریت راهبردی دانش در شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- تدوین نقشه راهبرد مدیریت دانش در شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- ارتقاء عملکرد و برقراری عدالت اجتماعی در توسعه آموزش عالی کشور
- اجرای بهینه آمایش آموزش عالی و مأموریت‌گرا شدن مراکز آموزش عالی

در صورت عدم توجه به مدیریت راهبردی دانش شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، موجب:

تجزیه و تحلیل داده‌ها از آخرین نسخه نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

۲-۱- پیشینه تحقیق

مدل مدیریت دانش در مؤسسات آموزش عالی در پنج بخش تعاملی شامل: فلسفه و اهداف مدل، مبانی نظری، چارچوب ادراکی، مراحل اجرا، نظام ارزشیابی و مهندسی مجدد ارائه شده است. فرآیندهای هشتگانه این مدل به ترتیب عبارت می‌شوند از: فرآیند فناوری مستقل و متغیر؛ فرآیند راه حل دانش؛ فرآیند حلزونی دانش؛ فرآیند مفهومی مدیریت دانش؛ فرآیند مشارکتی سازمان‌های یادگیرنده؛ فرآیند بینش؛ فرآیند دانش و فرآیند دانش ضمنی تشکیل شده است. برونداد به کارگیری این مدل عبارت از ایجاد فرهنگ مدیریت دانش و تأکید بر اندیشه‌ورزان و آینده‌اندیشی است. پیاده‌سازی عملیاتی مدل مدیریت دانش در نظام آموزش عالی پیشنهاد شده توسط قورچیان و لاهیجانیان مستلزم طی کردن مراحل زیر است:

- (۱) تنظیم و تدوین برنامه‌های مدیریت دانش در خصوص ایجاد فرهنگ و بستر سازی فرهنگی مدیریت دانش در دانشگاه‌ها، مؤسسات و مراکز آموزش عالی برای رشته‌ها و مقاطع مختلف.
- (۲) تدوین و تصویب سرفصل‌های مدیریت دانش منطبق بر مؤلفه‌های مدل با تأکید بر اندیشه‌ورزان و آینده‌اندیش از طریق طرح در شورای عالی برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها.
- (۳) اجرای آزمایشی مدل‌های مدیریت دانش در دانشگاه‌ها و مؤسسات و مراکز آموزش عالی نمونه و گسترش آن به تمامی دانشگاه‌ها متناسب با امکانات، تجهیزات، فضا و نیروی انسانی متخصص.
- (۴) آموزش مدیریت دانش از طریق (پودمان‌های آموزشی، گردهمایی‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌ها جهت روزآمد کردن دانش استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها).
- (۵) اجرای نهایی برنامه در مقاطع مختلف در کلیه رشته‌ها و سطوح مختلف آموزشی دانشگاه‌ها، مؤسسات و مراکز آموزشی.

الگوی در خصوص بررسی زمینه‌های کاربرست مدیریت دانش در مؤسسات آموزش عالی ترسیم شده که اهداف و رسالت‌های مراکز آموزش عالی در سه زمینه‌ی آموزش، پژوهش و خدمات جهت‌گیری شده است. بر اساس این الگو سه گروه عمده، اعضای هیئت علمی؛ دانشجویان؛ و کارکنان محیط پیرامون (ارتباط دانشگاه با صنعت و بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ...) در دانشگاه نقش‌آفرینی می‌کنند. برای بررسی وضعیت توسعه‌ی مدیریت دانش در دانشگاه‌ها نیاز است تا شرایط کاری و نقش‌آفرینی این سه گروه فعال در دانشگاه به صورت مجزا بررسی شوند.

الگوی پیشنهادی مدیریت دانش مراکز تحقیقاتی مبتنی بر عوامل کلیدی موفقیت ارائه شده توسط حسنوی و همکاران با احتساب فاز شناخت و بستر سازی به عنوان چرخه پیشنهادی مدیریت دانش با بررسی کلیه راه‌ها و اقدامات پیشنهادی محققان در این مراکز با انتخاب هفت مؤلفه اصلی چرخه مدیریت دانش شامل شناخت و بستر سازی، تشخیص دانش، جمع‌آوری دانش، سازمان‌دهی دانش، ذخیره دانش، اشتراک دانش، ارزیابی دانش، الگوی مراکز تحقیقاتی دانشگاهی کشور بر اساس عوامل کلیدی موفقیت مراکز تحقیقاتی دانشگاهی و واقعیت‌های موجود مراکز یاد شده ارائه نمودند.

۲-۲- مبانی نظری

تاریخ بشر با آموختن و تعلیم و تربیت آغاز می‌شود، انسان‌ها از روزگار کهن و آن زمان که پا به عرصه تاریخ و حیات خود گذاشتند، شروع به آموختن و کشف راز و رمز اطراف خود و انتقال مفاهیم و اطلاعات به منظور بیان دیدگاه و نظرات خود نمودند و انسان از همان ابتدای خلقت تا به امروز که از راه‌های گوناگون دانش و اطلاعات خود را به دست آورد، بر اهمیت علم و دانش و نقش آن در زندگی خود پی برده بود. در قرآن کریم شواهد و نمونه‌های زیادی دال بر فضیلت علم و علم‌آموزی وجود دارد، نخستین آیات قرآن، آیات سوره علق است که نشان می‌دهد رسالت اسلام بر پایه علم استوار شده و منشأ دانش خداست. توسعه جوامع منوط به داشتن انسان‌های توسعه‌یافته است و شاخص اصلی توسعه یافتگی انسان‌ها، دانش و خرد فردی و جمعی است که عنصر اساسی و حیاتی توسعه سیستم‌های اجتماعی است. در نهایت این

۲-۳- مدیریت دانش

از نظر بورن فور، مدیریت دانش مجموعه‌ای از رویه‌ها، زیرساخت‌ها و ابزارهای فنی و مدیریتی است که در جهت خلق، تسهیم و به‌کارگیری اطلاعات و دانش در درون و بیرون سازمان‌ها طراحی شده است. فعالیت‌های مدیریت دانش در چهار فعالیت کسب دانش (یادگیری، خلق و شناسایی)، تجزیه و تحلیل دانش (ارزیابی و اعتبارسنجی)، حفظ دانش (سازمان‌دهی، نمایش و نگهداری) و استفاده از دانش (کاربرد، انتقال و تقسیم) دسته‌بندی می‌شود. مدیریت دانش سامانه‌ای منظم برای کمک به نشر دانش فردی و سازمانی در مدیریت مجموعه‌ای که به دنبال رسیدن به اهداف خود از طریق دریافت اطلاعات درست در زمان مناسب و از مجاری صحیح آن‌ها است. الکس و دیوید بنت، مدیریت دانش عبارت است از گردآوری دانش، قابلیت‌های عقلانی و تجربیات افراد یک سازمان و ایجاد قابلیت بازیابی برای آن‌ها به عنوان یک سرمایه سازمانی. به عبارت دیگر، مدیریت دانش بر ذخیره و به‌کارگیری دوباره اطلاعات تخصصی تأکید دارد. اکونویه؛ مرکز کیفیت و بهره‌وری آمریکا (APQC)، مدیریت دانش را استراتژی‌های سیستماتیک و فرآیندهای تعریف، به دست آوردن، انتقال و به کار بردن اطلاعات و دانش توسط افراد و سازمان جهت ایجاد نوآوری، رقابت و ارتقاء بهره‌وری تعریف می‌کند.

۲-۴- مدیریت راهبردی دانش

مدیریت دانش، مدیریت دانایی یا مدیریت اندوخته‌های علمی به معنای در دسترس قرار دادن نظام‌مند اطلاعات و اندوخته‌های علمی است. به گونه‌ای که به هنگام نیاز در اختیار افرادی که نیازمند آن‌ها هستند قرار گیرد تا آن‌ها بتوانند کار روزمره خود را با بازدهی بیشتر و مؤثرتر انجام دهند. مدیریت دانش شامل یک سری استراتژی و راهکار برای شناسایی، ایجاد، نمایندگی پخش و تطبیق بینش‌ها و تجارت در سازمان است. برنامه اجرایی مدیریت اندوخته‌های علمی بر این دو جزء اصلی بنا می‌شود: (۱) فرآیندهایی که این اندوخته‌ها را مدیریت می‌کنند (۲) ابزار و تمهیداتی که دسترسی به این سرمایه علمی را آسان می‌کنند اگر این ابزار، با هدف تأثیر بر بهبود کارایی، اثربخشی و بهره‌وری با در نظر گرفتن چشم‌انداز و

خرد جمعی است که ظرفیت توسعه سیستم را تعیین می‌کند. امروزه دیگر دارایی‌های فیزیکی و ملموس سازمان‌ها از قبیل پول، ساختمان و تجهیزات به عنوان مزیت‌های رقابتی تلقی نمی‌گردند، بلکه دانش نیروی انسانی و سرمایه‌های فکری نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش توان رقابتی آن‌ها بازی می‌کنند. همین امر موجب بروز تحولات چشمگیر در قلمرو علم مدیریت به نحوی شده است که از آن به عنوان مدیریت دانش نام می‌برند. مدیریت دانش به عنوان رهیافتی جدید و بارز در کنار راهبردهای تجاری و رقابتی است، بدین منظور اغلب سازمان‌ها و دانشگاه‌ها به فکر پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت دانش شدند تا از مزایای بالقوه آن بهره‌مند شوند. درواقع تحقق اهداف هر سازمان مشروط به آن است که الزامات و برنامه‌های راهبردی با محوریت دانش تدوین و اجرا گردد، زیرا برنامه‌های تغییر یا تحول بدون زیرساخت‌های لازم تحقق نمی‌یابد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان یک سازمان مبتنی بر دانش نیاز به انواع روش‌ها و الگوها برای مدیریت دانش در سطوح مختلف راهبردی و عملیاتی به منظور توسعه هدفمند آموزش عالی و اجرای و پیاده‌سازی اسناد بالادستی از جمله نقشه جامع علمی کشور، برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، آمایش آموزش عالی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ... دارد (Randeree, 2006; Hejazi et al., 2013).

اغلب نظریه‌پردازان در حوزه مدیریت دانش، مدیریت راهبردی و مدیریت راهبردی دانش به عوامل تقریباً مشابهی برای احصاء عوامل محتوایی برای تدوین الگوی مدیریت در سازمان‌ها تأکید دارند. در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی فاکتورهای بسیار مهم پیشرفت مدیریت دانش در مراکز دانشگاهی» با هدف بررسی تأثیر مدیریت دانش بر مراکز تحقیقاتی دانشگاهی ایران به شناسایی فاکتورهای مهم تأثیرگذار بر این مراکز پرداخته شد. ساختار سازمانی انعطاف‌پذیر و پویا، معماری مدیریت دانش و آمادگی سازمانی برای پیاده‌سازی مدیریت دانش، انباشت دانش در حافظه سازمان، محک زدن پی‌درپی رقبای اصلی و بهبود بخشیدن به روند داخلی برای بهره‌وری و کارایی بیشتر و ملاقات مدیر ارشد و تنظیم هدف، تدوین استراتژی، برنامه‌ریزی و ارزیابی کارایی در سازمان از جمله این فاکتورها هستند.

۲-۵- مدل‌های مدیریت دانش

مدل‌ها چارچوب‌هایی مفهومی برای اقدام و عمل در پیاده‌سازی و ابعاد مختلف مدیریت دانش محسوب می‌شوند هر یک از این مدل‌ها دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی را درباره عناصر کلیدی مدیریت دانش بیان نموده‌اند.

مشخصه‌ها و ویژگی‌های مدل‌ها را چنین برشمرده‌اند: (۱) مدل‌ها یک روش کل‌گرایانه را درباره‌ی مدیریت دانش ارائه می‌دهند. (۲) مدل‌ها در ارتباط با برخی پدیده‌ها و موضوعات مدیریت دانش جامعیت دارند و شامل ابعادی از مدیریت دانش چون افراد، فرایندها، سازمان‌ها و فن‌آوری‌ها می‌شوند. (۳) مدل‌ها قابل تجدیدنظر و نقد و بررسی مجدد هستند و به‌طور وسیعی به‌واسطه محققان و متخصصان مدیریت دانش موردبحث و بررسی قرار می‌گیرند. (۴) این مدل‌ها قابلیت اجرا در دنیای واقعی را دارند و اطمینان و صحت آن‌ها در عمل موردبررسی قرار می‌گیرد. در ادامه به چند مدل ارائه شده توسط اندیشمندان این حوزه اشاره خواهد شد.

مدل نوناکا و تاکایوچی بیش از هر مدل دیگری با دقت و ظرافت بیشتر به ماهیت دانش و جزئیات آن و درعین‌حال محیط خارجی مدیریت دانش پرداخته است. این مدل حاصل مطالعات آن‌ها در خصوص موفقیت شرکت‌های ژاپنی است که خلاقیت و نوآوری بالایی در تبدیل دانش ضمنی و دانش آشکار داشته‌اند. مطالعه آن‌ها نشان داد که موفقیت شرکت‌های ژاپنی محصول دانش آشکار نیست بلکه نوآوری سازمانی آن‌ها عمدتاً ناشی از دانش پنهان و طیف وسیعی از فرآیند خلق دانش در اشکال مختلف آن است.

فرآیند خلق دانش: به نظر نوناکا و تاکایوچی فرآیند خلق دانش همیشه از فرد شروع می‌شود، مثل محقق هوشمندی که با بینش خود درنهایت به یک حق اختراع دست می‌یابد. یا مدیر میانی که با شهود خود درباره روندهای بازار می‌تواند فروش محصول جدید را تسریع کند و یا کارگری که با استفاده از سال‌ها تجربه خود، پیشنهادی ارائه می‌دهد که برای شرکت خود می‌تواند میلیون‌ها دلار صرفه‌جویی به دنبال داشته باشد. در این فرآیندها دانش شخصی که عمدتاً پنهان است به دانش سازمانی باارزشی تبدیل می‌شود (خاکپور، ۱۳۹۳). از نظر

مأموریت سازمان به‌کارگیرنده مدیریت دانش مورداستفاده قرار گیرد طبیعتاً به‌عنوان ابزارهای راهبردی به‌حساب خواهد آمد. این نوع استفاده از دانش را مدیریت راهبردی دانش می‌نامیم. همچنین از نگاه برخی از محققین مدیریت راهبردی دانش مبتنی بر اسلام ناب محمدی (ص) عبارت است از: مدیریتی که از طریق تعیین دقیق دانش موردنیاز، دانش موجود و تحلیل شکاف دانشی و ارائه راه‌کارهای مناسب پر کردن شکاف مزبور، امکان دستیابی به حداکثر اهداف با صرف بهینه منابع منطبق بر هست‌ها و نیست‌ها (هستی‌شناسی) بایدها و نبایدها (احکام الهی)، شایدها و نشایدها (اخلاقیات و نظام ارزش‌های اسلامی)، با رویکرد راهبردی منبعث از اسلام ناب محمدی (ص) را فراهم می‌کند.

مدیریت راهبردی دانش رویکردی راهبردی به مدیریت دانش (در معنای مضیق آن) عبارت است از تصمیمات نظام‌مندی است، مبتنی بر بسیج منابع و امکانات دانشی، در راستای تدوین، اجرا و کنترل راهبرد، اتخاذ و منجر به کشف و کسب، ذخیره، انتشار، به‌کارگیری، تولید و توسعه و ارزیابی دانش می‌گردد. تأمین منابع چرخه دانش و تولید ارزش‌های نوین (حرکت در جهت اهداف کلان در چارچوب چرخه دانشی و ایجاد ارزش‌های نوین).

مدیریت راهبردی دانش رویکردی راهبردی به مدیریت دانش است هرگاه که مدیریت دانش، راهبرد محوری یا یکی از راهبردهای اصلی (اهداف راهبردی اصلی) یک سازمان بوده و یا اینکه زمینه‌ی الزامی و پایداری برای تحقق راهبردها و اهداف راهبردی سازمان باشد. (سازمان در این تعریف شامل کلیه سازمان‌ها از جمله و خصوصاً سطح ملی، کلان سازمان‌ها و نهادهای ملی می‌باشد) تصمیمات نظام‌مندی است مبتنی بر بسیج منابع و امکانات دانشی در راستای تدوین، اجرا و کنترل راهبردهای دانشی که منجر به چرخه کشف و کسب تا ارزیابی دانش می‌گردد. در تعریف به فرآیند، مدیریت راهبردی دانش عبارت است از فرآیند تجزیه و تحلیل وضعیت دانش موجود، ترسیم دانش موردنیاز در وضع مطلوب و درنهایت تحلیل شکاف دانشی بین سطح موجود و مطلوب و ارائه راهبردهای دانشی مناسب جهت پر کردن خلاء حاصل.

فرایندهای دیگر به تبع آن اتفاق می‌افتند و به شرط فراهم آمدن زمینه‌های لازم، این فرایند مستمر خواهد بود. نوناکا این نکته را یادآوری می‌کند که فرایند تعامل دانش بین دانش نهفته و دانش صریح به صورت دایره‌ای نیست بلکه به شکل مارپیچ است همچنان‌که این چرخش‌ها تکرار می‌شود مقیاس‌های مارپیچ بزرگ‌تر می‌شوند و به لحاظ عمودی و افقی گسترش می‌یابند. اولین چرخش در درون افراد ایجاد می‌شود. همچنین اثبات شده است که در یک سازمان دانش‌محور، کارکنان باتجربه احتمال کمی دارد که در جستجوی دانش موجود در سیستم مدیریت دانش باشند و بیشتر در درونی کردن و تسهیم دانش خود با دیگران نقش دارند.

مدل سنگ بنای دانش: این مدل توسط «پروبت، روبر و رومهاردت»^۵ به نام «مدل سنگ بنای مدیریت دانش»^۶ نام‌گذاری شده است. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، با توجه به جنبه کاربردی‌تر این مدل، آن را به عنوان مدل نسبتاً کاملی که نکات مثبت همه مدل‌ها را تقریباً در برمی‌گیرد مورد توجه بیشتر قرار خواهیم داد. طراحان مدل یادشده، مدیریت دانش را به صورت سیکل پویایی می‌بینند که در چرخش دائم است. مراحل این مدل، شامل هشت جزء، متشکل از دو سیکل؛ درونی و بیرونی است.

سیکل درونی: به وسیله بلوک‌های: کشف شناسایی، کسب، توسعه، تسهیم، کاربرد بهره‌برداری و نگهداری از دانش ساخته می‌شود. سیکل بیرونی: شامل بلوک‌های اهداف دانش و ارزیابی آن است که سیکل مدیریت دانش را مشخص می‌نماید. کامل‌کننده این دو سیکل بازخور است. شکل ۱، اجزای مدل مذکور را نمایش می‌دهد. نحوه عملکرد پایه‌های این مدل به شرح زیر است:

- تعیین هدف‌های دانش: هدف‌های مدیریت دانش، باید از هدف‌های اصلی سازمان نشأت گرفته و در دو سطح استراتژیک و عملیاتی مشخص شوند.
- سطح استراتژیک: تبدیل و نگهداری سازمان بر مبنای مدیریت دانش و همچنین ایجاد فرهنگ و سیاست‌های لازم در این زمینه انجام می‌شود. سطح عملیاتی: که در این سطح، با توجه به هدف‌ها باید نحوه شناسایی، استفاده،

آن‌ها خلق دانش عبارت است از فرآیند حلزونی و مارپیچی تعامل بین دانش آشکار و نهان که در چهار مرحله تبدیل به وجود می‌آید: این چهار مرحله عبارت‌اند از: اجتماعی‌سازی؛ بیرونی‌سازی؛ ترکیب و درونی‌سازی. نوناکا در مدلی پویا برای مدیریت دانش در خصوص فرایندهای ایجاد و انتقال دانش به موارد زیر تأکید کرده است.

جامعه‌پذیری^۱: عبارت است از فرایند ایجاد دانش نهفته جدید نظیر مهارت‌ها و مفاهیم ذهنی مشترک به عبارتی در این فرایند از طریق انتقال دانش نهفته به دانش نهفته سعی در ایجاد دانش‌های جدید می‌شود مشارکت در تجربیات و تقلید تعالیم استاد- شاگردی شرکت در سمینارها و کنفرانس‌ها از جمله راهکارهای مؤثر در مورد این فرایند می‌باشد این نوع دانش نهفته را دانش همدلی می‌نامند.

برونی‌سازی^۲: عبارت است از فرایند بیان دانش نهفته به صورت دانش صریح توسعه یک محصول جدید می‌تواند مثالی از این فرایند تبدیل دانش باشد. برای موفقیت‌آمیز بودن این فرایند استفاده مداوم از مدل‌ها فرضیات و مفاهیم استعاره‌ها و نظایر این‌ها مهم است به این نوع دانش، دانش مفهومی هم گفته می‌شود.

ترکیب^۳: عبارت است از فرایند تبدیل دانش صریح به دانش صریح در قالب مجموعه‌های نظام‌مند به این نوع دانش، دانش نظام‌مند هم گفته می‌شود در این فرایند متون علمی، پایگاه‌های اطلاعاتی و بانک‌های آماری که در زمره دانش‌های صریح قرار می‌گیرد توسعه می‌یابند این نوع انتقال موجبات تکامل و افزایش دانش صریح را فراهم می‌آورد.

درونی‌سازی^۴: در تبدیل دانش صریح به دانش نهفته افراد با خلاقیت‌های ذهنی خود از نظریات صریح آموخته‌شده دانش‌های جدید ایجاد می‌کنند که اگرچه قابل انتقال به دیگران نیست ولی در عملکردهای آنان منعکس می‌شود در درونی سازی فرد بر پایه فرضیات و روابط کلی به دانشی دست می‌یابد که خاص ذهنی و شرایط محیطی اوست و به دشواری قابل انتقال است دانش نهفته مجدداً دانش‌های نهفته جدید را ایجاد می‌کند (جامعه‌پذیری) و

¹ Socialization

² Externalization

³ Combination

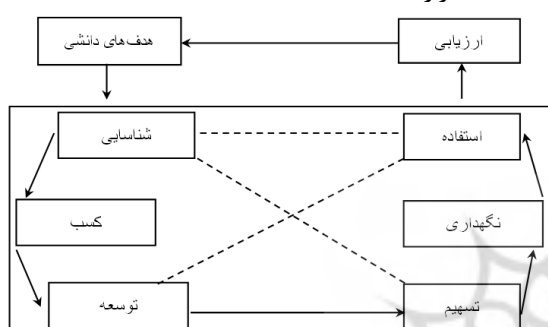
⁴ Internalization

⁵ Probst & Raub & Romhard

⁶ Building Stones Of Knowledge Management

روش، از نابودی دانش جلوگیری کرده به آن اجازه این که مورداستفاده قرار گیرد را می‌دهد که البته در این راستا باید سازوکارهای مناسبی برای به‌روز کردن سیستم ایجاد شود.

- ارزیابی دانش: نحوه رسیدن به هدف‌های معین و استفاده از نتایج آن به‌عنوان بازخور، برای تعیین یا اصلاح هدف، به این بخش مربوط است. با نگاه به نتایج بعضاً کیفی این فرآیند، ضروری است، آن‌ها را با توجه به نتایج کمی و هزینه‌های انجام‌شده در این زمینه، مورد ارزیابی قرار داد.



شکل (۱): پایه‌های ساختمان مدیریت دانش (طراحی الگو پیاده‌سازی مدیریت دانش در بخش دولتی).

۲-۶- عوامل کلیدی موفقیت مدیریت دانش در مراکز تحقیقات- دانشگاهی کشور

در پژوهشی از مراکز تحقیقاتی با استفاده از عوامل موفقیت مدیریت دانش و با هدف تشخیص عوامل کلیدی موفقیت مدیریت دانش در مراکز تحقیقاتی پرسشنامه‌ای بر اساس عوامل موفقیت مدیریت دانش تدوین شده که محور سؤالات شامل کلیه عوامل کلیدی موفقیت مدیریت دانش شامل اعتماد، فرهنگ‌سازمانی، حمایت و تعهد مدیریت ارشد (رهبری)، درگیری و درک کارکنان، آموزش کارکنان و تحصیلات، اندازه‌گیری و عملکرد، الگوبرداری، مدیریت تغییر، اشتراک دانش، آمادگی سازمانی برای مدیریت، راهبرد (دیدگاه راهبردی)، رویکرد سامانه‌ای به مدیریت دانش، اندازه‌گیری، معماری دانش، یادگیری مستمر، تولید دانش، مدیردانش، زیر ساختارهای سازمانی، مخازن دانش، سامانه مدیریت دانش، غنی‌سازی شغلی، کار تیمی و گروه‌های کاری، زیر ساختارهای فناوری اطلاعات، تقویت ارتباطات و همکاری، قهرمان، پایلوت، یکپارچه‌سازی مدیریت دانش و سامانه‌های جاری، امنیت

توزیع، کاربرد و نگهداری دانش، مشخص و برنامه‌های لازم برای دستیابی به آن‌ها در زمان معین، طراحی شود و به مرحله اجرا درآید.

- شناسایی دانش: با طرح این پرسش که «آیا می‌دانیم که چه می‌دانیم؟» باید انجام این وظیفه مدیریت دانش؛ یعنی مرحله کشف دانش را آغاز کرد. بسیاری از سازمان‌ها به‌خاطر ناآشنا بودن با دانش خود، در تصمیم‌گیری‌ها و هدف‌گذاری‌هایشان دچار مشکل می‌شوند، البته ناگفته نماند که شناسایی منابع دانش درون و بیرون سازمان، به همراه هم انجام می‌شود.
- کسب دانش: در این مرحله، دانش‌ها باید از بازار داخلی و خارجی نظیر دانش‌های مربوط به مشتریان، تولید، همکاران، رقبا و ... از منابع شناسایی شده در مرحله کشف، کسب گردد و نیز مشخص نمودن آن که چه قابلیت‌هایی را می‌توان از خارج خریداری یا تهیه کرد و مورداستفاده قرار داد، موردتوجه قرار می‌گیرد.
- توسعه دانش: با توجه به پایه‌های موجود، باید دانش سازمان را گسترش داد، البته این امر، شامل توسعه قابلیت، محصول، ایده‌های جدید، فرآیندها و ... مسائلی از این دست می‌شود.
- تسهیم دانش: مسائلی همچون چگونگی به اشتراک‌گذاری دانش موجود و انتقال آن به محل مناسب و موردنیاز و چگونگی انتقال دانش، به‌گونه‌ای در سازمان قابل‌دسترسی و استفاده باشد و نیز چگونگی انتقال دانش از سطح فردی به سطح دانش گروهی و سرانجام سطح دانش سازمانی، از جمله مواردی است که در دستور کار این بخش از مدیریت دانش قرار می‌گیرد.
- استفاده از دانش: اطمینان به استفاده مفید از دانش در سازمان، مربوط به این قسمت است. در این بخش، موانعی بر سر راه استفاده مفید از دانش جدید است که باید شناسایی و رفع شوند تا از آن بتوان، به‌طور عملی در ارائه خدمات و محصولات دانش استفاده کرد.
- نگهداری دانش: ذخیره، نگهداری و روزآمد کردن دانش به این بخش مربوط می‌شود. این

فرهنگ و آموزش عالی به تصویب شورای انقلاب رسید و به دنبال آن به منظور ایجاد تحولی اساسی در دانشگاه‌ها، ستادی با عنوان "ستاد انقلاب فرهنگی" تشکیل شد که این ستاد بزرگ‌ترین نقش را در سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی کشور به عهده گرفت. در مردادماه ۱۳۶۴ با تصویب قانون "تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی"، کلیه اختیارات، وظایف و مسئولیت‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی در آموزش پزشکی به وزارتخانه جدید انتقال یافت.

با توجه به مطالب فوق مشخص گردید که از سال ۱۳۰۷ اندیشه ایجاد دانشگاه در کشور مطرح و از سال ۱۳۱۰ مطالعات اولیه آغاز و در سال ۱۳۱۳ با تصویب قانون تأسیس دانشگاه، دانشگاه تهران تشکیل و برای آن تعدادی دانشکده منظور شد. از آغاز تأسیس دانشگاه تهران تا سال ۱۳۱۹ ریاست دانشگاه تهران با وزیر معارف بود. در سال ۱۳۱۹ وزارت معارف به علت سنگینی وظایف به دو وزارتخانه جدید با نام‌های وزارت پیشه و هنر و وزارت فرهنگ تجزیه شد و کلیه وظایف مربوط به آموزش و پرورش و آموزش عالی به عهده وزارت فرهنگ گذاشته شد. در سوم خردادماه ۱۳۲۸ خورشیدی قانون تأسیس دانشگاه‌های شهرستان‌ها تصویب شد. این قانون به وزارت فرهنگ اجازه می‌داد ضمن تشکیل دانشگاه تبریز که یک سال قبل تأسیس شده بود در شهرستان‌های مشهد، اصفهان و شیراز و هر شهرستانی که آن وزارت لازم بداند به تأسیس دانشگاه اقدام نماید.

در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۶ یعنی پنج سال بعد از تصویب قانون تأسیس شورای مرکزی دانشگاه‌ها، قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی به تصویب مجلس شورای ملی رسید. با تشکیل وزارت علوم و آموزش عالی نهادهای ویژه دولتی برای حل مسائل فرهنگی و علمی نظام آموزش عالی کشور به‌طور مجزا به وجود آمد. وزارت فرهنگ و آموزش عالی در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۳ به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی کشور، به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تغییر نام داد و وظایف برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری به وظایف وزارتخانه مذکور افزوده شد. به استناد ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

شغلی، ایجاد محیطی سازمانی ریسک‌پذیر، ارزش کارکنان، مدیریت منابع انسانی و انگیزش، ساختارهای سازمانی منعطف و پویا که پس از اعتباریابی پرسشنامه عوامل کلیدی موفقیت مدیریت دانش در مراکز تحقیقاتی- دانشگاهی به شرح زیر به دست آمد. مشارکت پرسنل و برقراری ارتباطات بین سطوح مختلف سازمانی، امنیت شغلی، وجود فضای ریسک‌پذیری، مدیریت منابع انسانی و نظام انگیزشی، ساختارهای سازمانی منعطف و پویا، کار تیمی، اشتراک دانش، آمادگی مراکز تحقیقات برای مدیریت دانش، رویکرد سامانه‌های معماری مدیریت دانش، پایگاه‌های داده و ابزارهای فناورانه جستجوی دانش، مستندسازی، مخازن دانش، ارزیابی عملکرد، الگوبرداری، مدیر ارشد دانش.

۷-۲- مدیریت دانش در نظام آموزش عالی

آموزش عالی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و به اعتقاد برخی پژوهشگران دانشگاه جندی‌شاپور جزو اولین دانشگاه‌ها در دنیا به حساب می‌آید که حدود ۱۷۰۰ سال پیش بنا گردیده بود و در شاخه‌های طب، نجوم، ریاضیات و ... فعالیت داشته است. تأسیس دارالفنون توسط امیرکبیر را می‌توان نقطه عطفی در سیر تحولات مربوط به آموزش عالی در دوره اخیر تلقی کرد زیرا با تأسیس این مدرسه عالی و فعالیت آموزشی استادان اروپایی در آن در حقیقت فعالیت‌های آموزشی جهت‌گیری جدیدی پیدا کرد و تلاش‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های اروپایی به‌صورت الگوی موردنیاز و قابل قبول در جامعه ایرانی مطرح شد. تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و هفت مدرسه عالی حقوق، پزشکی، علوم و فنون، الهیات، جنگ، کشاورزی و دامپزشکی که بعدها جزء دانشگاه تهران شدند نقطه شروع آموزش عالی در دوره معاصر به حساب می‌آید. پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و شروع فرایند نوسازی نظام آموزش عالی، تعداد دانشگاه‌ها رو به افزایش گذاشت و در سال ۱۳۵۴ نظام آموزش عالی ایران به ۲۱ دانشگاه و ۲۰۶ مؤسسه آموزش عالی رسید که در مجموع ۱۵۰ هزار دانشجو را در دوره‌های روزانه و شبانه و در سطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی تحت پوشش ۴۰۰ رشته آموزشی از لحاظ نوع قرار می‌داد. پس از انقلاب اسلامی در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹ لایحه قانونی تشکیل شورای عالی

فرهنگی با در نظر گرفتن اهداف عالی نظام و در جهت شکوفایی اقتصادی و فرهنگی کشور، سعی بر تصویب رشته‌ها، دانشکده‌ها و دانشگاه‌هایی داشته که در پیشبرد این اهداف مؤثر باشند. شورای یادشده با در نظر گرفتن هیأت علمی، امکانات آموزشی و آزمایشگاهی، فضای آموزشی و امکانات مالی دانشگاه یا مؤسسه متقاضی، نسبت به تصویب رشته‌ها، گروه‌های آموزشی و دانشکده‌ها اقدام نموده است.

۳- روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف توسعه‌ای و کاربردی بوده و در نظر دارد با استناد به اهداف بالادستی عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش در شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که تاکنون وجود نداشته را تدوین و موجب توسعه دانش موجود در این حوزه گردد. این تحقیق کیفی بوده و از راهبرد تحلیل مضمون استفاده شده است. به‌منظور کشف ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی تا مرحله رسیدن به اشباع نظری مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته انجام و از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند (تکنیک گلوله برفی) برای انتخاب افراد استفاده شده است. جامعه پژوهش شامل کتاب‌های تخصصی، اسناد و مدارک، مقاله‌های علمی و پژوهشی، وبگاه‌های منتشره معتبر و اسناد معتبر در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مدیران و افراد خبره جامعه نمونه بوده‌اند. ابعاد و شاخص‌های الگوی نهایی با استفاده از نرم‌افزار (MAXQDA) استخراج شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آخرین نسخه نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شده است.

در فرآیند تحلیل مضمون داده‌های متنی پراکنده و متنوع، به داده‌هایی غنی و تفصیلی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوی موجود در آن‌ها تبدیل می‌شود. براون و کلارک راهنمای شش مرحله‌ای ارائه کرده‌اند که چارچوب بسیار مفیدی برای انجام تحلیل مضمون است. این مراحل عبارت‌اند از: (۱) آشنایی با متن، (۲) ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، (۳) جست‌وجو و شناخت مضامین، (۴) ترسیم شبکه مضامین، (۵) تحلیل شبکه مضامین، (۶) تدوین گزارش. در این پژوهش در مرحله نخست مضامین اصلی

مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و به‌منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور، قانون اهداف و وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب گردید.

۲-۸- حوزه گسترش آموزش عالی

به استناد اسناد بالادستی همچون مقررات جزء (ب) ماده ۲ و ماده ۶ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مصوب ۸۳/۵/۱۸)، نقشه جامع علمی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام و برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، تصمیم‌گیری درباره خطوط اصلی سیاست‌های ایجاد، ارتقاء، انحلال، توسعه و گسترش آموزش عالی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور، دانشگاه جامع علمی-کاربردی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی وابسته به دستگاه‌های اجرایی و مراکز پژوهشی و فناوری و دیگر مراکز علمی-پژوهشی تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (اعم از دولتی و غیردولتی) با استفاده از منابع دولتی و غیردولتی و مشارکت‌های مردمی متناسب با نیازها و ضرورت‌های کشور، در حوزه گسترش آموزش عالی انجام می‌پذیرد.

با توجه به تکالیف مندرج در بند "ه" قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب جلسه علنی مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۸ مجلس شورای اسلامی "ارتقای سطح دانش و مهارت‌های فنی و توسعه و ترویج فرهنگ تفکر علمی در جامعه" بر عهده وزارت علوم تحقیقات و فناوری می‌باشد. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز در راستای اجرای وظایف محوله کلیه وظایف آموزشی که در راستای ارتقای سطح دانش و مهارت و توسعه آموزش عالی می‌باشد را به شورای گسترش آموزش عالی محول نمود. شورای گسترش آموزش عالی یکی از شوراهای تصمیم‌گیرنده در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشد این شورا مرجع تصمیم‌گیری درباره خطوط اصلی سیاست‌های توسعه و گسترش آموزش عالی در سطح کشور محسوب می‌شود. شورای گسترش بعد از انقلاب

به مرز دانش جهانی است؛ بنابراین برای جهش تولید، جهش علمی و تحول علمی می‌بایست ابتدا این تحول‌خواهی نزد دانشجویان تبیین شود علاقه‌مندی در دانشجو به وجود آمده و با تشویق جوانان به تحریک و تعمیق در علم و دانش و نوآوری و خلاقیت، میل به تحول و پیشرفت نزد دانشجویان افزایش خواهد یافت. درواقع راه رسیدن به استقلال پیشرفت علمی است. برای تحول و رسیدن به مرز دانش و برون‌رفت از مشکلات مزمن و دست‌وپا گیر حال حاضر کشور که بیشتر در بخش اقتصادی و عدم رعایت عدالت اجتماعی، خود را نمایان کرده است، باید فکر کرد باید تحولی در حوزه‌های مختلف به وجود آورد باید کاغذبازی‌های زائد و آیین‌نامه‌ها و قوانین غیر سودمند را از چرخه تصمیم‌گیری خارج کرد باید برای برون‌رفت از مشکلات در همه حوزه‌ها مخصوصاً اقتصاد راه‌حل پیشنهاد نمود باید راه‌کارهای مختلف را آزمایش کرد این حرکت در حوزه‌های مختلف یک حرکت جهادی باید باشد تا جهش و نوآوری در کلیه سازمان‌ها و بخش‌های مختلف کشور به ثمر بنشیند. تبیین اسلام ناب محمدی متناسب با شرایط روز جامعه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تحول می‌باشد. تبیین دستاوردهای انقلاب و ترویج تمدن اسلامی با علم روز به‌منظور عبور از مرز دانش جهانی بسیار حائز اهمیت است. یکی از شاخص‌های رسیدن به مرز دانش جهانی از طریق مدیریت دانش اسلامی استقرار نظام مدیریت دانش و استفاده از تجارب متخصصین در سازمان‌ها است. برای رسیدن به مرز دانش می‌بایست فرایندهای مدیریت دانش در صنعت و سازمان نهادینه شود از تجارب متخصصین حوزه استفاده حداکثری به عمل آید درواقع به‌طورکلی نهادینه کردن مدیریت دانش در سازمان‌ها و دانشگاه‌ها توجه بیش‌ازپیش به مدیریت دانش فرایند رسیدن نظام آموزش عالی را به مرز دانش جهانی در پرتو دانش اسلامی تسهیل خواهد نمود.

با توجه به مطالب بالا مشاهده می‌شود که جهش و تحول برای رسیدن به مرز دانش جهانی با مدیریت دانش اسلامی به‌منظور رفع نیازهای کشور با تأکید بر دستاوردهای انقلاب و ترویج تمدن اسلامی با علم روز به‌منظور عبور از مشکلات مزمن کشور را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی نام برد. شکل ۲ استخراج‌شده از متن اسناد

تعاریف، شناسایی و در اصطلاح، کلیدواژه‌های مضامین (کدها) استخراج و در مرحله دوم کلیدواژه‌های استخراج‌شده، دسته‌بندی خواهند شد. درنهایت در مرحله سوم با جمع‌بندی مضامین، ژن مشترک تعاریف، استخراج‌شده است.



شکل (۱): مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶).

با توجه به مضامین استخراج‌شده در منابع تحقیق که شامل مصاحبه با خبرگان آموزش عالی، بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، اسناد بالادستی همچون نقشه جامع علمی کشور، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، سیاست‌های کلی علم و فناوری و برنامه ششم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، به همراه مضامین استخراج‌شده از مطالعات تاریخی تطبیقی، عوامل محتوایی تأثیرگذار مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی احصا گردید.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به تعاریف بیان‌شده، عوامل محتوایی عموماً به کیفیت الگو و کارکردهای آموزش عالی در تولید دانش، کاربردی کردن دانش، مهارت بخشی به دانش، هدفمندی، تبدیل دانش به مهارت، بومی‌سازی، مأموریت‌گرایی، تصمیم‌گیری مشارکتی، شناخت محیط اجرا، همسویی با نیازهای جامعه و صنعت، و... اشاره دارد؛ بنابراین با توجه به تعاریف بیان‌شده و مضامین استخراج‌شده با استفاده از نرم‌افزار (Maxqda) عوامل محتوایی الگوی تحقیق عبارت‌اند: استخراج بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و تحلیل مضامین استخراج‌شده از اسناد بالادستی در حوزه گسترش آموزش عالی کشور جهش و تحول برای رسیدن به مرز دانش جهانی با مدیریت دانش اسلامی است. درواقع یکی از تأکیدات اسناد بالادستی تحول در دانش با مدیریت دانش اسلامی

بالادستی رادرجهش و تحول برای رسیدن به مرز دانش بومی‌سازی و توسعه علوم انسانی و هنر بر اساس اولویت‌ها و نوآوری‌های جهانی یکی دیگر از عوامل محتوایی احصا شده از شاخص‌های اسناد بالادستی گسترش رشته‌های هنر می‌باشد. برجسته‌ترین جلوه‌های انسان و خلقت در هنر نمایان می‌شود. این جلوه‌های انسانی می‌بایست در جهت دین و در راستای علائم و نیازهای کشور و جهان اسلام باشد. با ورود به رشته‌های میان رشته‌های هنر منطبق با پوشش و معماری اسلامی با حفظ تنوع فرهنگی کشور می‌توان با هنر جوانان را با خالق هستی نزدیک‌تر کرد؛ بنابراین می‌بایست از این فرصت حداکثر استفاده را نمود. توسعه رشته‌های گروه هنر با گرایش به سمت هنرهای نوین و اسلامی منطبق با نوآوری‌های جهان یکی از شاخص‌های توسعه رشته‌های هنر در کشور می‌باشد.

تعیین ضوابط عادلانه و اجرای صحیح آمایش آموزش عالی متناسب با نیازهای منطقه و توسعه عادلانه رشته‌های دانشگاهی با توجه به اولویت‌های مندرج نقشه جامع علمی کشور یکی از راه‌های ایجاد رشته متناسب با نیازهای منطقه و گسترش نوآوری‌های جهانی می‌باشد. تربیت منابع انسانی خلاق و توانمند با فرهنگ اسلامی و خانواده محور یکی دیگر از شاخص‌های بومی‌سازی و توسعه علوم انسانی اسلامی می‌باشد فرهنگ‌سازی زندگی اسلامی و خانواده محور با محوریت تعالی علمی و وحیانی موجب پرورش منابع انسانی بومی در راستای علوم دینی و وحیانی می‌باشد. پرورش و ارتقاء کرامت اساتید و معلمان از مهم‌ترین بخش‌های موضوع است منظور از توسعه علوم انسانی توسعه علوم انسانی با نگرش قرآنی و اسلامی است در همین راستا توجه به سهم دانشجویان علوم انسانی ضرورت دارد زیرا توسعه غیر هدفمند دانشجویان گروه علوم انسانی نه تنها کمکی به علوم انسانی بومی نمی‌کند بلکه در راستای حل مشکلات علوم انسانی و اجتماعی کشور نیز به کار نمی‌آید. یکی از راه‌های توسعه هدفمند علوم انسانی بر اساس اسناد بالادستی توجه به تعداد و سهم دانشجویان تحصیلات تکمیلی در ورود به دانشگاه‌ها در کشور می‌باشد که متأسفانه در حال حاضر بسیاری از فارغ‌التحصیلان این گروه جذب محیط کسب‌وکار نشده و سازمان‌های دولتی نیز از وجود این دسته از فارغ‌التحصیلان اشباع‌شده‌اند تحول کیفی در علوم انسانی

جهانی با مدیریت دانش اسلامی نشان می‌دهد. و هنر مستلزم بازنگری در محتوای دروس ارائه شده به دانشجویان بر اساس معارف اسلامی الزامی است. درواقع در گروه هنرمی توان با استفاده از معماری روز و تلفیق آن با شاخص‌های اسلام نسبت به طراحی معماری قدم‌های بلندی برداشت هرچند امروز اقدامات بسیاری انجام پذیرفته است ولی به قدر کافی نبوده و می‌بایست در این مسائل بسیار تلاش کرد.

تحول و ارتقاء علوم انسانی درگرو به بازنگری دروس علوم انسانی متناسب با بازار کار می‌باشد درواقع بازنگری و بازنویسی محتوای علوم انسانی بر اساس معیارهای اسلامی ایرانی و نیازمندی‌های روز کشور یکی از شاخص‌های بومی‌سازی علوم انسانی در راستای ارتقای علوم انسانی و اجتماعی است به‌عنوان مثال برای تناسب نیاز کشور باتربیت نیروی انسانی در گروه علوم انسانی پرورش مترجمان مسلط به زبان عربی برای فعال‌سازی حوزه گردشگری سلامت همسایگان عرب‌زبان و غیره بسیار موردنیاز می‌باشد که متأسفانه این مهارت در برنامه‌های درسی این گروه گنجانده نشده است. یا برای بومی‌سازی رشته مدیریت می‌بایست دانشجویان رشته حداقل چند ماه را در سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی به‌صورت طرح مهارت‌آموزی مشغول به کار شود تا محیط حوزه کاری برای این دسته از افراد ملموس‌تر گردد.

با توجه به مطالب بالا مشاهده می‌شود که بومی‌سازی و توسعه علوم انسانی و هنر بر اساس اولویت‌ها و نوآوری‌های جهانی، به‌منظور استفاده از هنر، منطبق با نوآوری‌های جهانی در راستای دین، تربیت منابع انسانی خلاق و توانمند و خانواده محور، بازنگری دروس علوم انسانی و بومی‌سازی آن با بازار کار را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی نام برد. شکل ۳ استخراج‌شده از متن اسناد بالادستی را در بومی‌سازی و توسعه علوم انسانی و هنر بر اساس اولویت‌ها و نوآوری‌های جهانی نشان می‌دهد.

حمایت از دانش‌پایه و نوآوری دانش‌بنیان‌ها برای تبدیل مهارت به فناوری از دیگر عوامل احصا شده از نگاه اسناد بالادستی می‌باشد. برای ساماندهی و حمایت از نوآوری‌ها و جلوگیری از پژوهش‌های تکراری سامانه‌ای طراحی نمود و پژوهش‌های انجام‌شده را در بستر آن مهیا کرد این

نسبت به انتقال دانش به کشور اقدام نمود در این راستا تقویت آموزش زبان‌های خارجی و فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم در کشور به‌منظور ورود دانشجویان خارجی به داخل و خروج دانشجویان از کشور یکی از مهم‌ترین نقاط قابل توجه در این موضوع می‌باشد که تا به حال در این بخش وزارت علوم تحقیقات و فناوری موفق نبوده است.

تأسیس دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های برون‌مرزی با اولویت کشورهای همسایه و اسلامی موجب اشاعه فرهنگ ایرانی و ارتباط دوطرفه با کشورهای دیگر خواهد شد تعامل دانشجویان ایرانی با دانشجویان خارجی موجب افزایش دانش روز و ارتقای سطح علمی دانشجویان می‌گردد. ایجاد واحدها یا شعبه دانشگاه‌های خارجی با مشارکت دانشگاه‌های داخلی در ایران از موارد مورد تأکید اسناد بالادستی به‌منظور افزایش تعاملات علمی و بین‌المللی در سطح آموزش عالی می‌باشد ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها بر اساس حل مشکلات جامعه و تخصیص بودجه نیاز محور یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی می‌باشد ارزیابی انجمن‌های علمی بر اساس بروندهای آن‌ها و ارائه طرح‌ها و پروژه‌های مختلف در راستای حل مشکلات یکی اولویت‌دار با ایجاد بانک اطلاعاتی و ورود نهادهای غیردولتی امکان ارزیابی کیفی و شناسایی موانع امکان‌پذیر خواهد شد.

با توجه به مطالب بالا مشاهده می‌شود که همکاری‌های بین‌المللی و ارزیابی دانشگاه‌ها بر اساس حل مشکل کشور، به‌منظور تعامل پایدار با دانشگاه‌های کشورهای خارجی با اولویت کشورهای جهان اسلام و تأسیس دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های برون‌مرزی به‌منظور اشاعه فرهنگ ایرانی و ارتباط دوطرفه با کشورهای دیگر را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای الگوی راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی نام برد. شکل ۵ استخراج شده از متن اسناد بالادستی را در همکاری‌های بین‌المللی و ارزیابی دانشگاه‌ها بر اساس حل مشکل کشور، نشان می‌دهد.

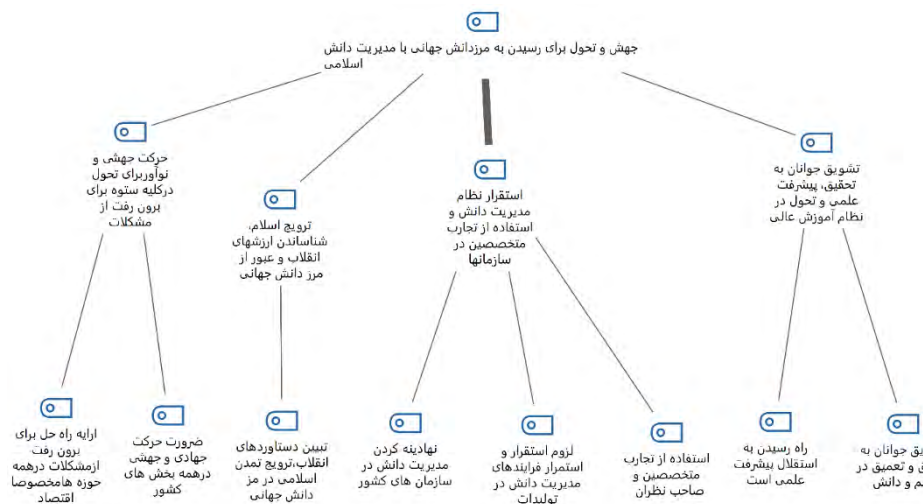
از اهداف ارزیابی، عملکرد می‌باشد؛ بنابراین می‌بایست برای هدایت رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها و هدایت حوزه‌های بازنگری در آموزش عالی، ماموریت‌گرایی و ارتباط با جامعه و صنعت یکی از عوامل احصا شده در مصاحبه با خبرگان آموزش عالی می‌باشد. بازنگری در آموزش عالی

سامانه می‌تواند به‌منظور اولویت‌بندی نیازهای بازار، پژوهش‌های موردنیاز و پژوهش‌های انجام‌شده را اولویت‌بندی کرده و در راستای تجاری‌سازی آن‌ها و تصمیم‌گیری مناسب در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. درواقع سازمان‌های علمی کشور می‌توانند از این سامانه بهره‌برداری نموده و در راستای تولید ثروت اقدامات شایسته‌ای به عمل آورند.

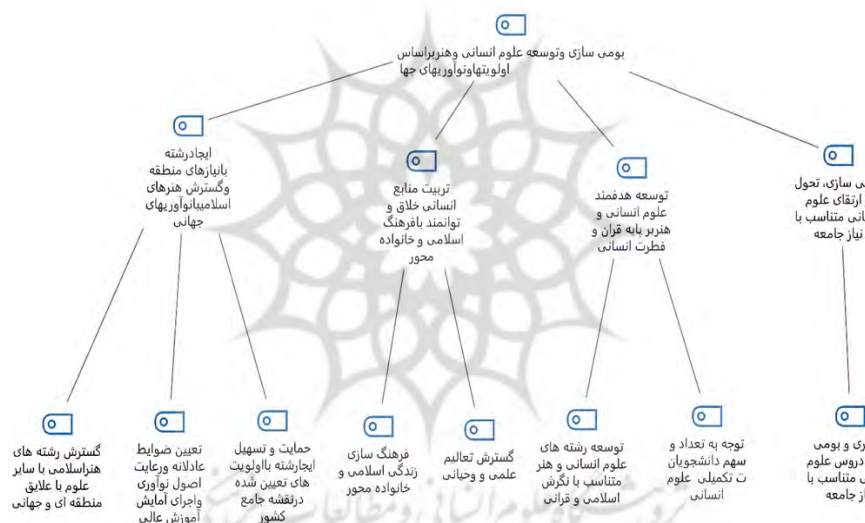
یکی دیگر از شاخص‌های تبدیل مهارت به فناوری از نگاه اسناد بالادستی توجه به دانش ضمنی افراد و ارتقای آن به حمایت سازمان‌های مرتبط و هدایت آن مخصوصاً وزارت علوم تحقیقات و فناوری برای ایجاد رشته‌های میان‌رشته‌ای با ایجاد رشته‌های موردنیاز و بین‌رشته‌ای در راستای تبدیل مهارت به فناوری و تحقق اقتصاد دانش‌بنیان اقدامات مناسبی انجام گرفته خواهد شد از نگاه اسناد بالادستی برای حمایت از نوآوری و تبدیل مهارت به فناوری تناسب شغل دانش‌آموختگان دانشگاه با تخصص آن‌ها از اولویت‌های حمایت از نوآوری و تبدیل مهارت به فناوری می‌باشد این موضوع و تناسب شغل دانش‌آموختگان با تخصص آن‌ها موجب افزایش بهره‌وری و تحقق اقتصاد دانش‌بنیان خواهد شد.

با توجه به مطالب بالا مشاهده می‌شود که دانش‌پایه و نوآوری دانش‌بنیان‌ها برای تبدیل مهارت به فناوری می‌بایست، به‌منظور جلوگیری از پژوهش‌های تکراری و اولویت‌بندی نیازهای بازار، در بستر سامانه قرار گرفته و با استفاده از دانش ضمنی افراد و هدایت آن‌ها در راستای نوآوری جوانان به‌منظور تبدیل مهارت به فناوری استفاده گردد؛ بنابراین این شاخص را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی نام برد. شکل ۴ استخراج شده از متن اسناد بالادستی را در دانش‌پایه و نوآوری دانش‌بنیان‌ها برای تبدیل مهارت به فناوری نشان می‌دهد. یکی از شاخص‌های اسناد بالادستی تأکید بر گسترش همکاری‌های علمی و بین‌المللی دانشگاه‌ها به‌منظور حل مشکلات کشور می‌باشد برای رسیدن به تعامل پایدار با دانشگاه‌های کشورهای خارجی با اولویت کشورهای جهان اسلام می‌بایست ابتدا تعاملات علمی با کشورهای خارجی همچون برگزاری همایش‌ها و سخنرانی‌ها انجام طرح‌های مشترک و غیره را تقویت نمود و به‌صورت بلندمدت و برگزاری دوره‌های مشترک با دانشگاه‌های برتر جهان

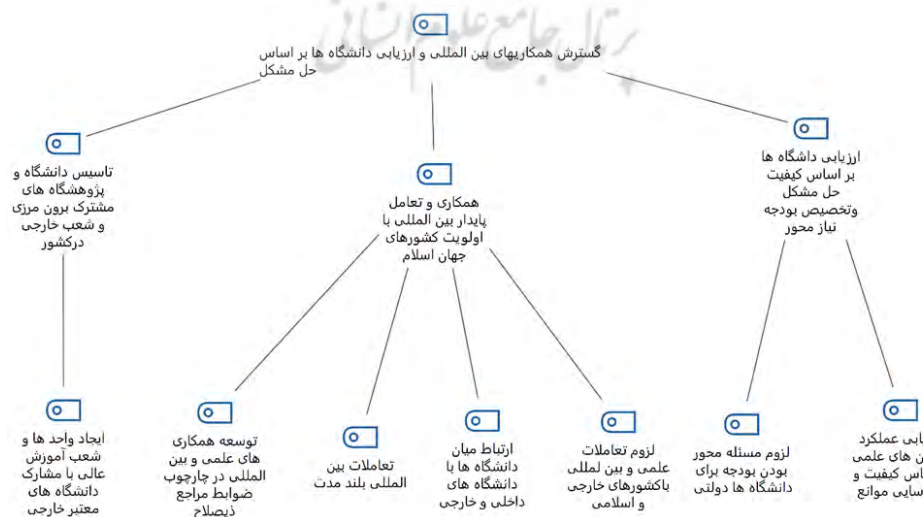
به منظور هدفمند نمودن آموزش عالی و ارتقای راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی می‌باشد. پژوهش‌های علمی یکی از شاخص‌های مهم مدیریت



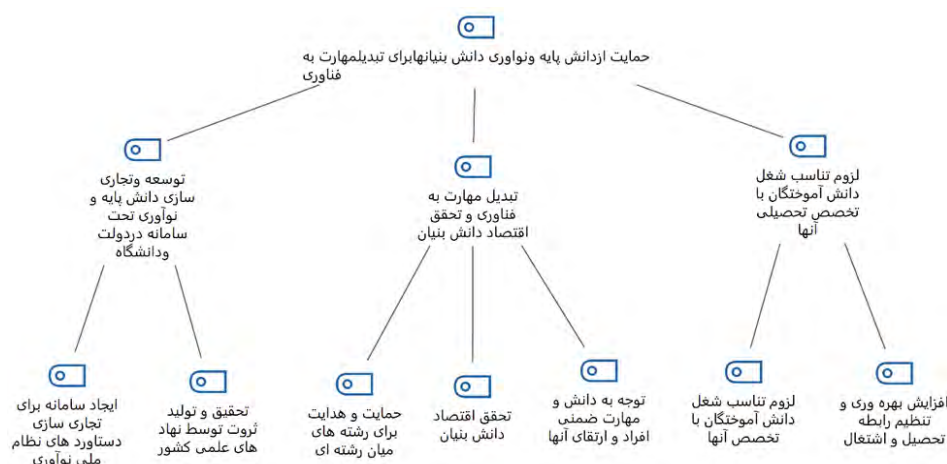
شکل (۲): عوامل محتوایی استخراج‌شده از متن اسناد بالادستی-کدبندی و یکپارچه‌سازی توصیفی تحلیلی (مؤخذ: نرم‌افزار مکس کیودا).



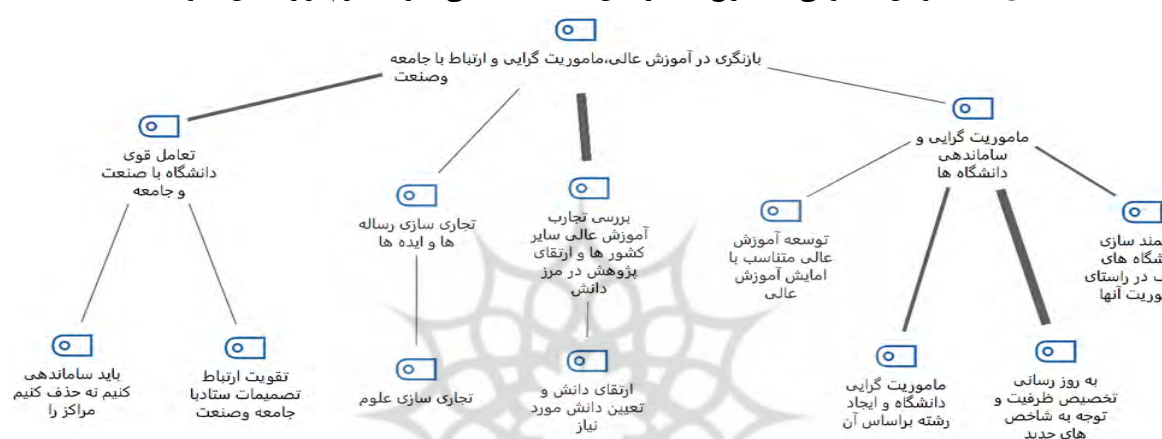
شکل (۳): عوامل محتوایی استخراج‌شده از متن اسناد بالادستی (مؤخذ: نرم‌افزار مکس کیودا).



شکل (۴): عوامل محتوایی استخراج‌شده از متن اسناد بالادستی (مؤخذ: نرم‌افزار مکس کیودا).



شکل (۵): عوامل محتوایی استخراج شده از متن اسناد بالادستی (مؤخذ: نرم افزار مکس کیودا).



شکل (۶): مضمون محتوایی استخراج شده از متن مصاحبه با خبرگان (مؤخذ: نرم افزار مکس کیودا).

نوآورانه حمایت دانشگاه از ایده های جدید و تسهیل فرایند تبدیل ایده به فناوری و تولید محصول یکی از مهم ترین شاخص های تجاری سازی علوم در آموزش عالی می باشد. ارتباط جامع و صنعت با دانشگاه در خصوص رفع مشکلات تولید و خدمات بسیار حائز اهمیت است. درواقع تصمیمات راهبردی و کلان نظام آموزش عالی می بایست در راستای حل مشکلات صنعت اتخاذ شود. یکی دیگر از شاخص های بازنگری در آموزش عالی ماموریت گرایی دانشگاه ها در کلیه زیرنظام های آموزش عالی می باشد. توجه به زیرساخت های هر شهر و استان و برنامه ریزی توسعه آموزش عالی متناسب با زیرساخت های موجود از مهم ترین برنامه های مأموریت گرایی دانشگاه ها می باشد. تقویت منابع موجود در استان با پژوهش های علمی به منظور بهره وری حداکثری از آن ها کمک شایانی به رشد و توسعه شهر و استان می نماید. با ساماندهی ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه ها وزیر نظام های آموزش عالی، به منظور حذف رشته محل هایی که فارغ التحصیل زیاد

بررسی تجارب کشورهای خارجی در زمینه های مختلف آموزش عالی از مهم ترین شاخص های توسعه آموزش عالی می باشد البته استفاده از تجارب آن ها و بومی سازی فرایندهای توسعه و ارتقای پژوهش های علمی بومی سازی شده در راستای مشکلات موجود و ارتباط تنگاتنگ پژوهش های علمی و صنعت کشور از مهم ترین شاخص های توسعه هدفمند آموزش عالی می باشد. تعامل دانش موجود با دانش های روز دنیا موجب ارتقای پژوهش های علمی در مرز دانش روز جهان شده و دستیابی به فناوری های نو را برای کشور به ارمغان خواهد آورد. در این میان اعتماد به نیروهای بومی از اصول مهم این شاخص می باشد.

تجاری سازی رساله ها و پژوهش های نو یکی دیگر از وجوه بازنگری در آموزش عالی و استحکام ارتباط پژوهش های دانشگاهی با جامعه و صنعت می باشد. درواقع برای تبدیل ایده ها و نوآوری ها، کاربردی کردن مأموریت دانشگاه ها، اعمال مشوق های پژوهشی در راستای ایده های جدید و

باعث عدم بکارگیری آن‌ها شده است و جذب دانشجو در رشته‌های میان رشته و موردنیاز صنایع از مهم‌ترین عملکرد ساماندهی می‌باشد. درواقع برای ساماندهی ابتدا با توجه به فارغ‌التحصیلان یا متخصصین موجود و موردنیاز کشور، استان و شهر، ظرفیت پذیرش دانشجو ساماندهی و اجرا شود. درگام بعد می‌بایست مأموریت دانشگاه‌ها بازننگری و تدوین شود با تدوین مأموریت دانشگاه‌ها و جلوگیری از توسعه آموزش عالی در رشته‌ها و گروه‌های تحصیلی که هیچ یک از صنایع موجود در شهر به تخصص دانش‌آموختگان آن احتیاجی ندارند، یکی از گام‌های مهم هدفمندی آموزش عالی می‌باشد. ادغام ساختار تصمیم‌گیری دانشگاه‌های ضعیف‌تر در دانشگاه‌های بزرگ‌تر نکته دیگری از تدوین مأموریت‌گرایی و ساماندهی دانشگاه‌ها می‌باشد. البته تدوین برنامه‌های درسی مرتبط با صنایع موجود و تخصص‌های موردنیاز در هر استان، هم در ساماندهی می‌بایست موردتوجه ویژه قرار گیرد.

بنابراین برای ساماندهی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ابتدا می‌بایست با ساماندهی و ادغام ساختار دانشگاه‌های کوچک در زیرمجموعه دانشگاه‌های بزرگ آن‌ها را توانمند نمود و در ادامه در راستای نیازهای منطقه آن‌ها را هدایت نمود. تا با تربیت نیروهایی متخصص صنایع و سازمان‌های خدماتی موجود نیازهای شهر مرتفع گردد. درواقع با بازننگری در آموزش عالی، مأموریت‌گرایی و ارتباط با جامعه و صنعت شاخص دیگری از عوامل محتوایی در مدیریت راهبردی حوزه گسترش آموزش عالی محقق می‌گردد. شکل ۶ مقولات و مضمون استخراج‌شده از متن مصاحبه با خبرگان را در این موضوع نشان می‌دهد.

تصمیم‌گیری مشارکتی، پشتوانه دانشی و شناخت محیط برای اتخاذ تصمیم از مهم‌ترین عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی می‌باشد که تصمیم‌گیری مشارکتی یکی از ارکان مدیریت راهبردی نظام آموزش عالی است. درواقع تعامل و دریافت نظرات دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به‌منظور اتخاذ تصمیم در سطح کلان امری ضروری است، احترام به نظر مخالف و استقبال از انتقاد، یکی دیگر از تعاملات با ذی‌نفعان می‌باشد، توجه به سود و زیان ذی‌نفعان در تصمیم‌های کلان، هماهنگی قبل از اتخاذ تصمیم و مشارکت همه ذی‌نفعان در اتخاذ تصمیم از مصادیق تصمیم‌گیری مشارکتی برای اتخاذ بهترین تصمیم می‌باشد.

شناخت محیط اجرای تصمیم، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تصمیم‌گیری است؛ زیرا چنانچه در سطح کلان تصمیم‌گیرندگان نظام آموزش عالی تصمیمی را برای دانشگاه تهران اتخاذ نمایند، همان تصمیم را نمی‌توان برای دانشگاهی در استان گلستان اتخاذ نمود درواقع برای اتخاذ تصمیم در دانشگاه‌های سطح ۲ و ۳ که در شهرستان‌های کمتر برخوردار دایر می‌باشند می‌بایست شاخص‌هایی همچون لحاظ نمودن بعد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی منطقه به همراه منابع انسانی شاغل اعم از هیات علمی و کارکنان را نیز در تصمیم‌گیری لحاظ نمود و به‌طورکلی قبل از اتخاذ تصمیم می‌بایست تأثیر آن تصمیم را بر کلیه ارکان جامعه هدف را بررسی و پس از همراه کردن همه ذی‌نفعان، بهترین تصمیم، اتخاذ شود. داشتن پشتوانه دانشی برای اتخاذ تصمیم یکی دیگر از مهم‌ترین شاخص‌های اتخاذ یک تصمیم خوب می‌باشد درواقع برای اینکه یک تصمیم مناسب برای حل یک مشکل اتخاذ شود می‌بایست ابتدا در خصوص تبعات و راه‌های حل مشکل بررسی نموده و تأثیر تصمیم را قبل اتخاذ آن تبیین نمود و چنانچه ذی‌نفعانی در اثر این تصمیم دچار ضرر و زیان و یا به هر دلیلی مقاومتی در برابر اجرای تصمیم نشان می‌دهند موردبررسی قرارگرفته و نسبت به مرتفع نمودن آن اقدام نمود.

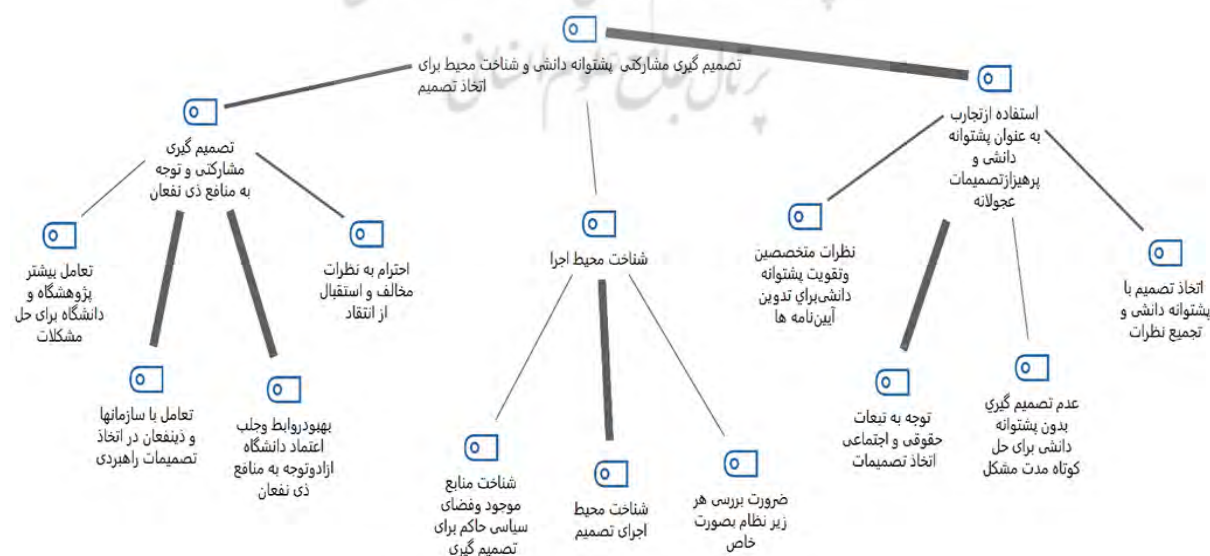
شده می‌بایست قابل اجرا باشد، علمی و براساس دانش و اطلاعات کافی اتخاذ شده باشد. باعث انسجام همه ذی‌نفعان محلی منطقه‌ای بشود در واقع تصمیم‌گیری مشارکتی، پشتوانه دانشی و شناخت محیط برای اتخاذ تصمیم را می‌توان یکی از عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی دانست. شکل ۷ مقولات و مضامین استخراج شده از متن مصاحبه با خبرگان را در این موضوع نشان می‌دهد. یکی از شاخص‌های توسعه هدفمند آموزش عالی تغییر و تدوین مجدد آئین‌نامه‌ها و تنظیم شاخص‌های بومی است. یکی از عوامل توسعه آموزش عالی کاربردی کردن دانش و مهارت بخشی، به‌منظور رفع نیازهای کشور می‌باشد. درواقع با تحول در آئین‌نامه‌های ساختاری محدودیت‌های موجود در دانشگاه‌ها را در راستای رفع نیاز کشور برداشته شود. یکی دیگر از مواردی که در راستای توسعه هدفمند و هماهنگ با نیازهای کشوری می‌بایست مدنظر قرار گیرد بررسی تجارب کشورهای دیگر به‌منظور تأسیس دانشگاه و توسعه

نیاز تغییر داد. پرورش نیروی انسانی متخصص موردنیاز صنعت و جامعه در بخش‌هایی خاص نکته مهم دیگری است که باید در بخش سنجش و پذیرش مدنظر قرار گیرد در واقع می‌بایست ابتدا نیاز شرکت یا صنعت مدنظر قرار گیرد درواقع می‌بایست ابتدا نیاز شرکت یا صنعت مشخص شود پس از آن دانشجوی توانمند در آن زمینه جذب و با همکاری صنعت، جامعه و دانشگاه آموزش‌دیده، پرورش پیدا کرده و توانمند شود. ارتقا نظام سنجش و پذیرش دانشجو یکی دیگر از مراحل توسعه هدفمند نظام آموزش عالی می‌باشد که می‌بایست از تجارب سایر کشورها در اجرای آزمون و تصحیح پاسخنامه استفاده کرد. الکترونیکی شدن مراحل و فرایندهای ثبت‌نام، تغییر فرایندها و کاهش هزینه‌ها، نوسازی و بومی‌سازی تجهیزات و فناوری‌های موجود و تکیه بر توان کارشناسان داخلی برای ارتقای نظام سنجش یکی از نکات توسعه هدفمند آموزش عالی می‌باشد.

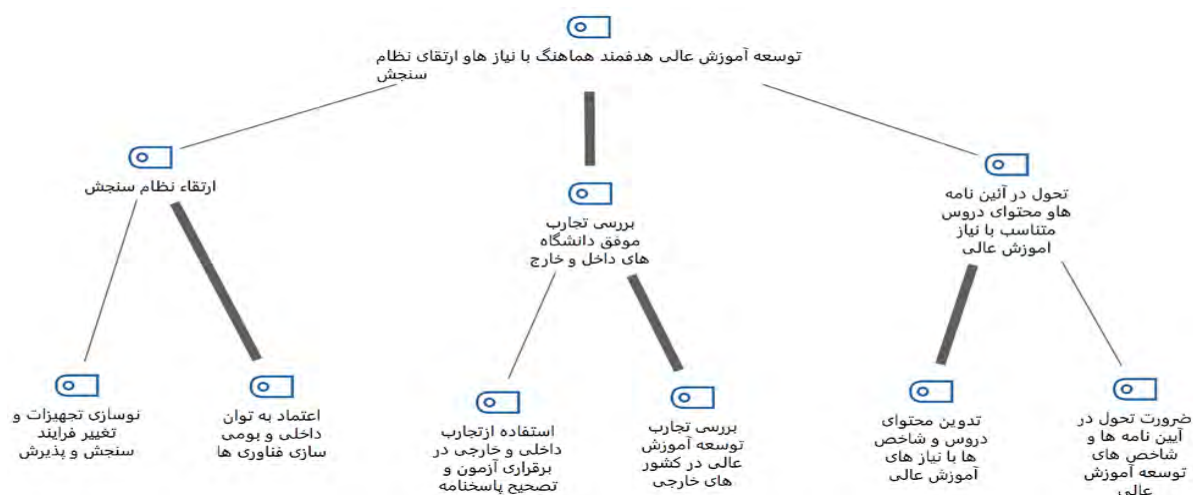
با توجه به مطالب بالا مشاهده می‌شود که ارتقای نظام سنجش و پذیرش در راستای توسعه هدفمند آموزش عالی به‌منظور رفع نیازهای کشور با تأکید بر کاربردی کردن و مهارت‌بخشی و مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها به‌منظور پاسخ به کمبودها و نیازهای هر شهر و استان را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل محتوایی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی نام برد. شکل ۸ مقولات و مضمون استخراج شده از متن مصاحبه با خبرگان را در این موضوع نشان می‌دهد.

آموزش عالی می‌باشد بنابراین ضروریست که قبلاً از هر اقدامی تجارب کشورهای دیگر مطالعه شده و مزایا و معایب آن بررسی و با توجه به فضای سیاسی و فرهنگی کشور و زیرساخت‌های موجود و نیازها توسعه صورت پذیرد. البته تجربه تأسیس واحدهای اقماری دانشگاه‌های بزرگ در کشور و مشکلات و موانع بیش روی آن‌ها در راستای اداره واحدهای اقماری تجارب بسیار ارزشمندی است که می‌تواند در توسعه آموزش عالی در سایر شهرستان‌ها نیز کمک بسیار شایانی به سیاست‌گذاران آموزش عالی نماید. وجود یک قانون و سیاست مشخص مصوب مراجع بالادستی در توسعه آموزش عالی یکی دیگر از شاخص‌های برنامه‌های کوتاه، میان و بلندمدت برای نظام آموزش عالی است که می‌تواند از توسعه بی‌رویه و غیر هدفمند نظام آموزش عالی جلوگیری نماید. نکته دیگری که می‌بایست در توسعه هدفمند آموزش عالی در نظر گرفت جلوگیری از رشد کمی و بی‌رویه آموزش عالی در کشور است درواقع برای توسعه هدفمند ابتدا می‌بایست از توسعه بی‌رویه و غیر هدفمند جلوگیری به عمل آورد و پس از آن با ساماندهی و مأموریت‌گرایی مسیر توسعه هدفمند را هموار نمود.

تمرکز بر نیازهای کشور از شاخص‌های مهم برای رفع نیازها است. توجه به رفع نیاز کشور و تغییر شاخص‌ها و آیین‌نامه‌ها و قوانین در راستای تسهیل مسیر حل مشکلات اولویت‌دار از مهم‌ترین اقدامات حوزه گسترش آموزش عالی است. درواقع می‌بایست آیین‌نامه‌ها و ضوابط را در راستای ارایه تسهیلات برای حرکت به سمت رفع



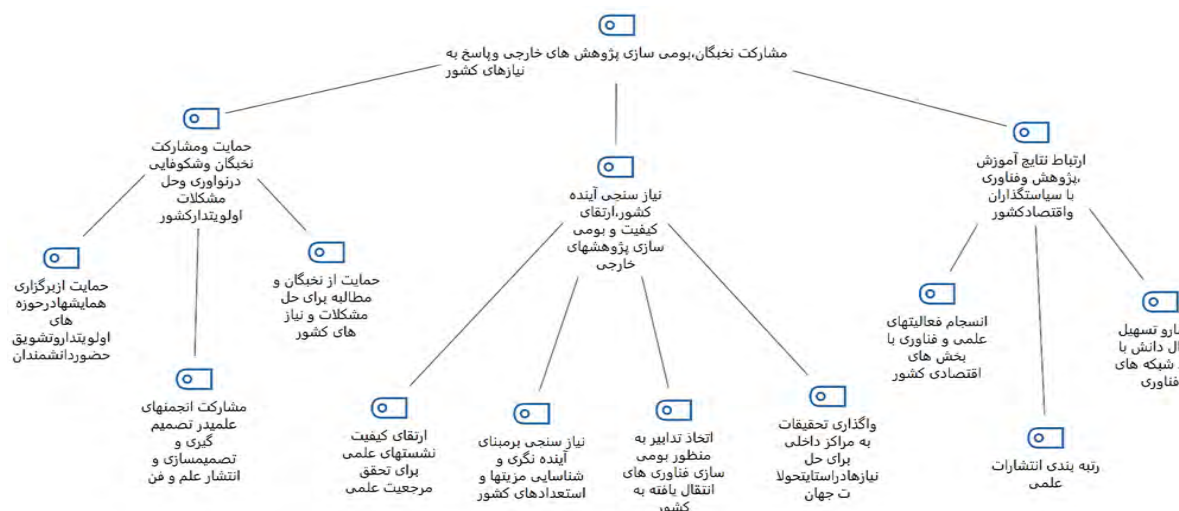
شکل (۷): مضمون محتوایی استخراج‌شده از متن مصاحبه با خبرگان (مؤخذ: نرم‌افزار مکس کیودا).



شکل (۸): مضمون محتوایی استخراج شده از متن مصاحبه با خبرگان (مؤخذ: نرم افزار مکس کیودا).

دانشمندان در موضوعات مبتلا به کشور می باشد. یکی دیگر از شاخص های بومی سازی پژوهش های خارجی و ارتقای کیفیت پژوهش ارتقای کیفیت نشست های علمی، واگذاری تحقیقات ملی و داخلی به مؤسسات و مراکز داخلی می باشد. این موضوع علاوه بر حمایت از نخبگان داخلی ارتقای کیفیت پژوهش و تبدیل به فناوری را موجب خواهد شد. برای بومی سازی پژوهش ها و فناوری های خارجی انتقال یافته به کشور می بایست زیرساخت ها و تدابیر لازم را اندیشید زیرا برای ارتقای کیفیت پژوهش های داخلی نیازمند بومی سازی پژوهش های خارجی و استفاده از تجارب به دست آمده محققان خارجی می باشیم. یکی دیگر از راه حل های حل مشکلات کشور نیازسنجی آینده کشور بررسی مشکلات احتمالی و شناسایی مزیت ها و استعدادهای مناطق مختلف و برنامه ریزی برای حل آن ها می باشد. با توجه به مطالب بالا مشاهده می شود که مشارکت نخبگان بومی سازی پژوهش های خارجی و پاسخ به نیازهای کشور به منظور ارتباط نتایج پژوهش ها و فناوری های ایجاد شده با تصمیم گیرندگان اقتصادی و سیاسی و مشارکت نخبگان در مشکلات و پاسخ به نیازهای کشور را می توان به عنوان یکی از عوامل زمینه ای الگوی راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی نام برد. شکل ۹ استخراج شده از متن اسناد بالادستی را در مشارکت نخبگان بومی سازی پژوهش های خارجی و پاسخ به نیازهای کشور، نشان می دهد.

یکی از تکالیف اسناد بالادستی در حوزه گسترش آموزش عالی مشارکت نخبگان و پاسخ به نیازهای کشور است. این ارتباط مستلزم اقداماتی از جمله انتشار و تسهیل انتقال دانش با ایجاد شبکه های فناوری مختلف می باشد. رتبه بندی کیفی انتشارات و مجلات علمی یکی دیگر از راه های ارتباطی نتایج پژوهش های کاربردی با تصمیم گیرندگان می باشد، این رتبه بندی کیفی کمک می کند به ارتقای سطح پژوهش ها و ارتقای کیفی مجلات؛ و در همین راستا تصمیم گیرندگان را نیز نسبت به عملیاتی بودن نتایج پژوهش های برتر امیدوار خواهد کرد درواقع با انسجام فعالیت های پژوهشی و فناوری با بخش های اقتصادی کشور موجب رفع نیازهای جامعه و صنعت در کشور شده و مشارکت نخبگان را در راستای حل نیازهای کشور را پررنگ تر خواهد نمود. یکی دیگر از شاخص های مشارکت نخبگان در مشکلات و پاسخ به نیازهای کشور مشارکت انجمن های علمی در تصمیم گیری و تصمیم سازی به منظور انتشار علم و فناوری می باشد بنابراین با تشویق و هدایت این مراکز و انجمن ها ارتباط و مشارکت نخبگان در تصمیم سازی پررنگ تر خواهد شد لازم به ذکر است برای بهره برداری از تجارب و استعدادهای نخبگان مشارکت هرچه بیشتر استعدادهای نوآوری و شکوفایی آن ها حمایت و ارائه تسهیلات به این دسته از مشارکت کنندگان مطالبات بر حق آن ها بوده و در راستای حل مشکلات راهگشا خواهد بود بنابراین با تشویق و تسهیل شرکت دانشمندان، فرهیختگان و نخبگان در همایش هایی که در راستای اولویتهای کشور برگزار می شود از مهم ترین راه های حمایت و مشارکت



شکل (۹): عوامل محتوایی استخراج شده از متن اسناد بالادستی (مؤخذ: نرم افزار مکس کیودا).

۵- پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده از مصاحبه با خبرگان آموزش عالی، اسناد بالادستی و مطالعات کتابخانه‌ای توصیه می‌شود نسبت به انجام پیشنهادات زیر در راستای توسعه هدفمند آموزش عالی اقدامات اجرایی به عمل آید. پیشنهاد برای سیاست‌گذاران و مسئولان

- تأسیس مرکز مطالعات راهبردی در موضوعات مختلف آموزش عالی
- اجرای مأموریت گرایی و ساماندهی در کلیه زیر نظام‌های آموزش عالی
- تغییر نظام ارتقای اعضای هیات علمی بر اساس اجرای برنامه‌های نیاز محور
- پیشنهاد برای پژوهشگران
- تدوین طرح تغییر فرایند تخصیص بودجه بر اساس بروندادهای دانشگاه
- تدوین الگوی تخصیص ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

۶- نتیجه‌گیری

مرحله اول مرور ادبیات تحقیق در این مرحله مطالعات اکتشافی از مرور منابع کتابخانه‌ای در زمینه کلیدواژه‌های اصلی تحقیق شامل الگو، مدیریت راهبردی، مدیریت راهبردی دانش، مدیریت دانش و مدیریت دانش آموزش عالی تبیین گردید علاوه بر آن مصاحبه اکتشافی با

صاحب‌نظران و خبرگان آموزش عالی به همراه اسناد بالادستی در حوزه آموزش عالی انجام شده است. تا محقق با کمک مطالعات صورت گرفته به چارچوب نظری و دیدگاه جامع از عناصر اصلی الگوی اولیه مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی دست یابد. در مرحله دوم هدف تدوین چارچوب نظری و الگوی مفهومی تحقیق مدنظر بود که به‌منظور دستیابی به چارچوب نظری سه‌گام مهم طی شد در گام اول به شناسایی مفاهیم پایه الگو از بین مطالعات و تحقیقات اکتشافی انجام شده پرداخته شد. در گام دوم پس از مصاحبه با خبرگان و استخراج خلاصه مضامین با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق عوامل مؤثر در الگوی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تکوین گردید. در گام سوم اسناد بالادستی در حوزه تحقیق استخراج و در راستای اهداف و سؤالات عوامل مؤثر در الگوی تحقیق تحلیل و استخراج گردید. در مرحله سوم تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق که همان عوامل احصا شده از مصاحبه با خبرگان، مطالعات و تحقیقات کتابخانه‌ای و اسناد بالادستی الگوی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی وزارت متبوع می‌باشد، مبتنی بر روش‌شناسی تحقیق و به‌منظور بررسی و ممیزی مضامین الگو مجدد به تأیید خبرگان رسانده شد. مرحله چهارم نتیجه‌گیری در این مرحله نتایج حاصل از ترکیب یافته‌های گام‌های قبل شامل یافته‌های حاصل از چارچوب نظری و داده‌های میدانی و تجزیه تحلیل مضامین ارائه شده از مصاحبه با خبرنگار با ابزار

سنجش کیفی در قالب نرم افزار مکس کیودا (MAXQDA) انجام خواهد شد.

الگوی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چگونه است؟

با توجه به نتایج بحث شده در قسمت های قبل و مبتنی بر عوامل استخراج شده تأثیرگذار در الگو همچون عوامل محتوایی، زمینه ای و فرایندی رفتاری الگوی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نشان داده شده است. الگوی مذکور از بین ۷۸۲ مفهوم استخراج شده از مصاحبه با خبرگان نظام آموزش عالی و اسناد بالادستی، ۱۱۵ مقوله را از بین مفاهیم مرتبط استخراج و با کلیدواژه هایی به یکدیگر مرتبط نمود پس از طبقه بندی و تفکیک ارتباط مفاهیم و مقولات استخراج شده از بین اسناد بالادستی و مصاحبه با خبرگان نظام آموزش عالی و تلفیق ۱۵ مضمون استخراج شده از مطالعات کتابخانه ای، مقالات و پژوهش های انجام شده در زمینه مدیریت راهبردی و مدیریت راهبردی دانش، مدیریت دانش راهبردی و مدیریت آموزش عالی، ۱۷ مضمون احصا گردید و با توجه به تعاریف ارائه شده مضامین محتوایی، فرایندی رفتاری و زمینه ای الگوی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی به شرح زیر مشخص گردید.

عوامل محتوایی شامل:

- توسعه هدفمند آموزش عالی هماهنگ با نیازها و ارتقاء نظام سنجش کشور
- تصمیم گیری مشارکتی پشتیبانی دانشی و شناخت محیط برای تصمیم
- حمایت از دانش پایه و نوآوری دانش بنیانها برای تبدیل مهارت به فناوری
- بومی سازی و توسعه علوم انسانی و هنر بر اساس اولویت ها و نوآوری های جهانی
- عوامل فرایندی رفتاری شامل:
- تخصیص بودجه مسئله محور نیازسنجی آموزش عالی و جذب درآمد اختصاصی
- توانمندسازی دانشگاه ها
- اصلاح نظام پذیرش، پذیرش هدفمند در تحصیلات تکمیلی، توسعه علوم پایه

فناوری

عوامل زمینه ای شامل:

- چابک سازی وزارت، تفویض اختیار، پاسخگویی
- حکمرانی قوانین و ضمانت اجرا
- گسترش همکاری های بین المللی و ارزیابی دانشگاه ها بر اساس حل مشکل کشور

بر اساس عوامل محتوایی به دست آمده برای اجرای الگوی مدیریت راهبردی دانش حوزه گسترش آموزش عالی، شاخص هایی را به منظور بهبود و اجرای الگوی یاد شده پیشنهاد می گردد که برای توسعه هدفمند نظام آموزش عالی می بایست با مهارت بخشی به برنامه های درسی نسبت به کاربردی کردن رشته های تحصیلی اقدام نمود، قبل از اتخاذ تصمیم در شورای گسترش آموزش عالی نسبت به مطالعه تبعات تصمیمی که اتخاذ می نماییم در کشور بررسی نماییم علاوه بر آن تجارب کشورهای خارجی نیز در موارد مشابه بررسی شود... جلوگیری از پذیرش در رشته های فاقد شغل و کم متقاضی و هدایت دانشجویان در رشته های مورد نیاز صنعت از اقداماتی است که تأثیر کوتاه مدت و مؤثری در نظام آموزش عالی خواهد داشت. تغییر نظام سنجش و پذیرش کشور بر اساس علاقه مندی و توانایی دانشجوی و نیاز کشور تدوین گردد؛ و تلاش شود از انتخاب غیرواقعی دانشجوی بر اساس توانمندی در تست زنی پرهیز و جلوگیری به عمل آید. بر اساس عوامل فرایندی رفتاری به دست آمده از الگوی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی وزارت عتف توجه به بودجه و تغییر نحوه تخصیص آن به منظور هدایت منابع دولتی در راستای حل مشکلات به دانشگاه بسیار قابل تأمل است. جذب درآمد خارج از بودجه مصوب که با اجرای پروژه های تحقیقاتی با شرکت های داخلی و یا خارجی اجرایی خواهد شد، می بایست مورد توجه بیشتری قرار گیرد. هماهنگی در اتخاذ تصمیمات کلان نظام آموزش عالی توسط مدیران و معاونین ستاد آموزش عالی از مصادیق قابل توجه در گسترش آموزش عالی می باشد که نبود هماهنگی موجب اجرای مصوبات غیر هدفمند و مغایر با اهداف نظام آموزش عالی خواهد شد. بازنگری و مهارتی کردن علوم، تغییر شیوه پذیرش دانشجوی در تحصیلات تکمیلی تغییر آیین نامه ها و نگهداشت نخبگان، تفکیک اعضای هیئت علمی نخبه از سایر اعضای هیئت علمی، استفاده از مدرسین و اعضای هیئت علمی ماهر که قابلیت انتقال مهارت به دانشجوی را داشته باشند از شاخص های تأثیرگذار

قدردانی

نویسندگان از عوامل اجرایی نشریه مهندسی سیستم و بهره‌وری و همچنین داوران محترم که کیفیت این مقاله را افزایش دادند، قدردانی می‌نمایند.

منابع

Akhavan, P., Hosnavi, R., & Sanjaghi, M. E. (2009). Identification of knowledge management critical success factors in Iranian academic research centers. *Education, Business and Society: Contemporary Middle Eastern Issues*, 2(4), 276-288. DOI:

<https://doi.org/10.1108/17537980911001107>

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.

Hejazi, A., Norouzzade, R., & Mohammadinejad, B. (2013). Analysis of current situation of knowledge management in ministry of science research and technology in Iran for presentation approach to progressive them. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 2(5), 53-72.

Randeree, E. (2006). Knowledge management: securing the future. *Journal of Knowledge Management*, 10(4), 145-156. DOI: <https://doi.org/10.1108/13673270610679435>

Shina, A. (2020). Importance of knowledge sharing in higher education institutions. *International Journal of Advanced Research in Education and Society*, 2(2), 87-95.

Veer Ramjeawon, P., & Rowley, J. (2020). Enablers and barriers to knowledge management in universities: perspectives from South Africa and Mauritius. *Aslib Journal of Information Management*, 72(5), 745-764. DOI: <https://doi.org/10.1108/AJIM-12-2019-0362>

در الگوی مدیریت راهبردی دانش در حوزه گسترش آموزش عالی خواهد بود. درواقع با برون‌سپاری وظایف ازجمله به‌روزرسانی برنامه‌های درسی، تغییر آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، جذب دانشجوی دکترا و حتی جذب اعضای هیئت‌علمی به دانشگاه‌ها و نظارت مستمر بر فرایند انجام امور یکی از توصیه‌های نخبگان در حوزه گسترش آموزش عالی می‌باشد حکمرانی قوانین و ضمانت اجرای آن‌ها از دیگر نکاتی است که می‌بایست در گسترش آموزش عالی برای اجرای قوانین و ضوابط موردتوجه داشت؛ زیرا به دلیل عدم اجرای قوانین مصوب توسط سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی بر اثر فشار ذی‌نفعان موجب عدم رعایت قوانین توسط سایر مراکز آموزش عالی خواهد شد؛ بنابراین برای جلوگیری از فشار خارج از ضوابط نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌منظور توسعه آموزش عالی در منطقه‌ای خاص، تدوین و تصویب برنامه گسترش آموزش عالی بر اساس آمایش در مراجع بالادستی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. رفع مشکلات دانشگاه‌ها برای گسترش همکاری‌های خارجی از موارد قابل‌توجه می‌باشد، ارزیابی و تشویق دانشگاه‌ها بر اساس برون‌دادهای علمی پژوهشی که منجر به محصول یا مرتفع شدن مشکلات کشور می‌گردد از شاخص‌های تأثیرگذار در تغییر جهت و تحول در توسعه آموزش عالی می‌باشد. مرتبط کردن نتایج پژوهش‌ها و فناوری‌ها با تصمیم‌گیرندگان اقتصادی، تولیدکنندگان، صادرکنندگان و اعتمادسازی برای بخش صنعت به‌منظور استفاده هرچه بهتر از نتایج پژوهش‌ها یکی دیگر از نقاط قابل‌تأمل می‌باشد.

مشارکت‌های نویسندگان

همه نویسندگان در مقاله نقش و سهم یکسان داشته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافع مرتبط با تحقیق حاضر ندارند و نتایج به‌صورت بی‌طرفانه و بدون دخالت منافع شخصی یا حرفه‌ای به‌دست‌آمده است.